



گرایش جهان از دیدگاه آئین بهائی

نوشته:

دکتر دارا بصّاری

سال ۱۵۶ بدیع

۲۰۰۰ میلادی - ۱۳۷۸ خورشیدی

سنگ

درا بصاری

گرایش جهان از دیدگاه آئین بهائی

نوشته:
دکتر دارا بصاری

از انتشارات ایمجز اینترنشنال
سال ۱۵۶ بدیع - ۲۰۰۰ میلادی
۱۳۷۸ خورشیدی

گرایش جهان از دیدگاه آئین بهائی

شماره صفحه	عنوان
-	- پیشگفتار
۱	۱ - مقدمه
۳	۲ - نگرشی به دنیای کنونی
۹	۳ - وحدت عالم انسانی
۹	۳-۱ - دلایل تحقق وحدت عالم انسانی
۱۰	۳-۱-۱ - سیر تاریخی - اجتماعی
۱۳	۳-۱-۲ - وابستگی‌های اقتصادی - اجتماعی - سیاسی
۱۶	۳-۱-۳ - پیشرفتهای علمی و تکنولوژیکی و وجود زمینه‌های فکری
۱۹	۳-۱-۳-۱ - نقش وسائل ارتباطی
۲۱	۳-۱-۳-۲ - عوامل اساسی وحدت عالم انسانی
۲۱	۳-۱-۳-۲-۱ - عوامل ظاهری وحدت
۲۱	(۱) عوامل وحدت
۲۲	(۲) وسائل وحدت
۲۳	(۳) اصول وحدت
۲۵	۳-۱-۳-۲-۲ - عوامل حقیقی وحدت

- ۲۵ عوامل ثبات دهنده وحدت
- ۲۶ (۱) صلح و امنیت و آرامش حقیقی
- ۲۹ (۲) تساوی حقوق زنان و مردان
- ۳۰ (۳) ترک تعصبات
- ۳۲ (۴) تعدیل معیشت و کاهش فقر و ثروت مفرط
- ۳۳ (۵) تقلیب روحانی و تربیت روحانی
- ۳۶ (۶) وجود نظمی نوین در سازمان و تشکیلات
- ۳۹ ۴ - نقش دیانت بهائی در تحقق وحدت عالم انسانی
- ۴۳ ۵ - وحدت و مفهوم وحدت عالم انسانی در دیانت بهائی
- ۴۷ ۶ - نتیجه گیری
- ۵۱ ۷ - منابع و مآخذ

« پیشگفتار »

انسان در طول تاریخ خود، چه بصورت فردی و چه بصورت گروهی یا اجتماعی، کشش و کوششی در جهات مختلف داشته است و دارد، هدف یا هدف‌هایی را آگاهانه یا ناآگاه دنبال کرده است و می‌کند و به نتایجی نیز به دلخواه یا به جبر تاریخ، خود آگاه یا ناخود آگاه، دست یافته است و می‌یابد. در گذر تاریخ، می‌توان با مشاهده کشش‌ها و کوشش‌های بشری و روند تکاملی آن، گرایش جهان بشری را از جنبه‌های متنوع و مختلفی مورد بررسی قرار داد. در این نوشته، گرایش جهان از یکی از بی‌شمار جنبه‌های تحوّل جامعه بشری، که با مقدرات و مقاصد آئین بهائی پیوندی تنگاتنگ دارد و در ارتباط با هدف اساسی و روحانی این آئین جهانی می‌باشد، مورد مطالعه قرار گرفته است.

برای کسی که به دلیل دگرگونی اوضاع اجتماعی ایران، ترک وطن نموده و از کار اصلی‌اش که به نوشتن و مطالعه نوشته‌ها نزدیک بود، دور افتاده است و در محیطی زندگی می‌کند که به علت درگیری با کار روزانه، فرصتی برای نوشتن نیست، به‌ویژه که از توانایی لازم هم برای انجام این امر برخوردار نباشد، نوشتن مشکل است و به زمانی طولانی‌تر نیاز دارد، باین جهت تهیه و آماده کردن همین نوشته مختصر که در ابتداء موضوع یک سخنرانی کوتاه و سپس گفتاری در رادیو بهائی لُس آنجلس را تشکیل می‌داد و همچنین تا فراهم آوردن امکانات لازم برای چاپ و انتشار آن، چند سال بطول انجامید. اما بهر تقدیر تأیید شامل گشت

و به اتمام رسید.

لازم می‌دانم از همهٔ دوستانی که مرا در تشویق، تصحیح، ارائه نظر و راهنمایی برای نوشتن این کتاب، همراهی کردند تشکر کنم. در همین مسیر صمیمانه‌ترین سپاس قلبی‌ام را به حضور جناب دکتر ماشاءالله مشرف‌زاده، جناب علاءالدین قدس جورابچی و خواهر ارجمندم سرکار خانم دکتر طلعت بصری - قبله، تقدیم می‌دارم. امید آنکه این نوشتهٔ کوتاه مورد استفاده و انتقاد قرار گیرد.

دارا بصری

کالیفرنیا - لس آنجلس - سانتامونیکا

ژانویه سال ۲۰۰۰ میلادی - ۱۳۷۸ خورشیدی

۱۵۶ بدیع

گرایش جهان از دیدگاه آئین بهائی

۱ - مقدمه

گرایش (Trend-Tendency) به معنی کشیده شدن به یک جهت یا کشیده شدن به سوی یک حرکتِ عمومی و یا نشانهٔ جهتِ یک حرکت است^۱ و منظور از گرایش جهان در واقع آن است که بینیم دنیا به چه سوئی در حرکت می‌باشد و مشخص‌تر آنکه بینیم جهتِ عمومی حرکتِ دنیا از لحاظ تحوّل جامعهٔ بشری، بکدام سو، روی دارد.

دنیای کنونی در شرایط خاصی قرار دارد و ظاهراً بنظر می‌رسد که آیندهٔ آن به نحو اسف‌انگیزی بی‌ثبات و نامطمئن است چون علیرغم همهٔ پیشرفت‌های مادی و تکنولوژیکی، تمام واقعیت‌های موجود از در ماندگی، قهقرا و تاریکی نشان دارد. با این همه بهائیان در عین حال که این واقعیت‌ها را از نظر دور نمی‌دارند اما با اعتقاد به ظهور حضرت بهاء‌الله و قوای مکنونهٔ منبعث از آن در عالم، در دوردستِ تاریکی، نوری را می‌بینند که جامعهٔ بشری به طرف آن در حرکت است و هرچه بدان نزدیک‌تر می‌شود، روشنائی آن شدیدتر می‌گردد و

۱ - مأخذ: ۳۰

در آن نور، شکوه و عظمت ملکوت الهی را بر کرهٔ ارض عیان می‌بینند. به بیان دیگر این سؤال می‌تواند مطرح باشد که آیا قوای مخربه‌ای که از هر لحاظ دنیای کنونی را احاطه کرده است منجر به از هم پاشیدگی دنیا و از بین رفتن تمدن بشری می‌شود یا اینکه با همهٔ شواهد بیمارگونهٔ مادی موجود و انقلابات و اغتشاشاتی که وجود دارد بالاخره یک قوهٔ روحانی منبعث از تأییدات الهی، فائق خواهد شد و با ایجاد وحدتی تأثیر یافته از عوالم روحانی، بشر دردمند را نجات خواهد داد؟

گرایش دنیا بکدام سو می‌باشد و دیدگاه دیانت بهائی و نقش آن در این گرایش چیست؟

۲- نگرشی به دنیای کنونی

در اینکه دنیا، از لحاظ تحوّل جامعه بشری، به چه سمتی گرایش دارد، می‌توان از دو دیدگاه به آن نگریست:

نگاه اوّل: نگاهی است به واقعیت‌های موجود در دنیا و نگاهی است به تاریکی‌ها. از این زاویه دید، دنیا به سوی بدبختی و فلاکت، مادّیت صرف، فقر روحانی، از بین رفتن احترام و علائق خانوادگی، انواع تعصبات جنگ‌برانگیز، اقتصادی خشن و بی‌رحم که اکثریت قریب به اتفاق مردم دنیا را به زانو در می‌آورد، بهره‌برداری خصمانه و ظالمانه از انسان‌ها، تنازع بقا و مسائلی از این قبیل و بالاخره از هم پاشیدگی، پیش می‌رود. در واقع طوفان‌های هولناک اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، روانی و حتی طبیعی، همه مردم دنیا را به تدریج در بر می‌گیرد و بشر دردمند را روز بروز خسته‌تر و نومیدتر می‌سازد. علی‌رغم همه پیشرفت‌هایی که در علوم و تکنولوژی بوجود آمده و می‌آید که قاعدتاً می‌بایستی در جهت رفاه مردم باشد، آنچه که در اطراف ما، در رسانه‌های گروهی یعنی رادیوها، تلویزیون‌ها، روزنامه‌ها و مجله‌ها و غیره وجود دارد و بچشم می‌خورد، جز از این‌گونه موارد غم‌انگیز نیست. بهتر است این واقعیت‌های تلخ را از قلم حضرت شوقی افندی ولی امر بهائی بشنویم:

«رواج مجدّد تعصّب مذهبی، خصومت نژادی، غرور وطن‌پرستی،

از دیاد روزافزون علائم و شواهد خودخواهی، بدگمانی، خوف و ناراستی، شیوع قتل نفس و قانون شکنی، میگساری و جنایت، عطش سیراب نشدنی و ولع تب‌آلود برای امور بی ارزش و ثروت و لذت دنیوی، تضعیف علائق خانوادگی، تزلزل سلطه والدین، انهماک در لذائد جسمانی، عدم احساس مسئولیت در ازدواج و بالنتیجه موج فزاینده طلاق، انحطاط هنر و موسیقی، تدنی ادبیات، فساد مطبوعات، بسط نفوذ و فعالیت آن دسته از پیشوایان افساد کننده که ازدواج غیررسمی رفیق وار را حمایت می‌کنند، فلسفه برهنگی را موعظه می‌نمایند، حجب و حیا را افسانه می‌پندارند و از قبول این حقیقت، امتناع می‌ورزند که تولید نسل نخستین هدف مقدس ازدواج بشمار می‌رود و آنان که دین را به عنوان افیون خلق به کنار می‌نهند و اگر عنان اختیار بدست آنان سپرده شود نسل بشر را به بربریت و هرج و مرج و بالمآل به نابودی می‌کشانند، چنین است خصوصیات برجسته جامعه منحط و فاسد، جامعه‌ای که یا باید از نو ولادت یابد یا محو و نابود گردد.»^۱

وقتی به دنیا فقط از این زاویه دید، نگاه شود، این بشر دردمند چیزی را در ورای آن نمی‌بیند و تکیه گاهی ندارد که حداقل دل بدان خوش دارد. از این رو جز رنج و بدبختی نمی‌بیند و سرگردان و نومید و بی‌هدف در مسیر حوادث زندگی گام برمی‌دارد، نمی‌داند برای چه آمده است، چه هدفی دارد و به کجا می‌رود. بنظر می‌رسد چنین جامعه‌ای باید محو و نابود گردد.

نگاه دوم: نگاهی است به حقیقت دنیا و نگاهی است به روشنائی‌ها در آن

سوی تاریکی‌ها. این زاویه دید، درحقیقت دید بهائی است که از فضل حضرت بهاءالله شاید فقط بهائیان هستند که می‌توانند از این موهبت برخوردار باشند زیرا با علم به اینکه با اظهار امر حضرت بهاءالله، دیانت بهائی با هدفی روحانی و تعیین شده در مسیر یک دور حدّ اقل هزارساله و یک کور پانصد هزارساله قرار دارد، آیا می‌توان تصوّر نمود که تمدّن بشری منهدم و بشر و اجتماعات آن بکلی نابود گردد؟ بدیهی است که پاسخ بدین سؤال منفی است. مادام که کره زمین شرائط لازم برای زیست انسان‌ها را دارا باشد، محلّ سکونت و ادامه تکامل تمدّن او خواهد بود و بنابراین بشریت نابود نخواهد شد. حتی اگر عدم بلوغ فکری دولتمردان و غرور و تعصب آنها منجر به بروز یک جنگ بزرگ جهانی گردد، باز هم فرضیه نابودی کلّ بشر امری بی‌محتوی تلقی می‌شود.

مؤید این گفتار پیام نویدبخش بیت العدل اعظم الهی است که: «هرقدر سال‌های آینده، محتملاً مشحون از عذاب و مصیبت باشد و هرقدر افق کنونی عالم تیره و تاریک دیده شود، جامعه بهائی معتقد است که نوع بشر بر مقابله با چنین امتحان و انقلاب بزرگی توانا است و از نتایج مطلوبه حاصله‌اش، مطمئن است.» و «به عقیده ما این انقلابات مُدهشه‌ای که عالم انسانی، به سرعت با آن روبرو می‌شود، سبب نابودی تمدّن بشری نمی‌گردد بلکه باعث بروز قوای مکنونه، درحقیقت انسان می‌شود و مقام و رتبه و شأن هر انسانی را ظاهر و عیان می‌سازد.»^۱

بهائیان در وراي این ناهنجاری‌ها، این مظالم و این روش‌های منفي افراط آمیز، راه را برای وصول به - وحدت عالم انسانی - هموار می‌بینند و

تمام این ظلم‌ها و آوارگی‌ها و ناهنجاری‌ها را دردِ زایمان می‌دانند که بتدریج به دردِ زه که آخرین و بالاترین مرحلهٔ درد برای تولدِ کودک است نزدیک می‌شود یعنی تولدِ نظم بدیع حضرت بهاء‌الله. بهائیان در وِرایِ این ظلم و ستم، عدلی بزرگ را در پیش چشم به تصویر درمی‌آورند و به فرمودهٔ حضرت بهاء‌الله «... این ظلم‌های واردهٔ عظیمه، تدارکِ عدلِ اعظم می‌یابد...»^۱ بهائیان می‌دانند که این نظم کهنه و فرسود خراب می‌شود و بر روی این خرابه‌ها، نظم نوین جهان‌آرای حضرت بهاء‌الله گسترده خواهد شد. به فرموده حضرت ولی عزیز امرالله «... بشریت اکنون بدون مقاومت و بی‌وقفه در حالِ ورود به چنین دوره‌ای است و در میان ظلمتی که هرآن، بیشتر آدمی را در بر می‌گیرد می‌توان نخستین طلایع سلطنت لاهوتی حضرت بهاء‌الله را که از افقِ تاریخ رفته رفته، نمودار می‌گردد، مشاهده نمود. به ما یعنی نسل واقع بین ظلمت و نور که در عصرِ آغاز شکوفائی جامعهٔ متحد جهانی زندگی می‌کنیم وظیفه‌ای محوّل شده که هرگز نمی‌توانیم امتیازِ عالیه‌اش را آن‌چنان که باید ارزیابی کنیم و ثقل آن را به درستی ادراک نمائیم. ما که باید تأثیر و عمل نیروهای ظلمت را مشاهده کنیم و در دوران حیات خود شاهد سیلِ بلیّات و رنج و محن ناشی از آن نیروها باشیم، باید معتقد شویم که تاریک‌ترین لحظاتِ مقدّم بر طلوع عصرِ ذهبیِ آئین الهی هنوز فرانسیده است. هرچند ظلمتی که هم‌اکنون جهان را فرا گرفته شدید است ولی رنج و الم مصیبت باری که دنیا باید تحمّل کند هنوز ظاهر نشده و هیچکس نمی‌تواند شدّت آن را تصوّر کند. بشریت اکنون در آستانهٔ عصری قرار دارد که تشنّجات آن در آن

۱ - مأخذ: ۸ صفحه ۱۸.

واحد رنج مرگِ نظام پیر و فرتوت و دردِ توکدِ نظمی بدیع را اعلام می‌دارد.^۱

اینک با توجه به نگاه دوم در نگرشی به دنیای کنونی، وقتی این سؤال پیش می‌آید که جهتِ عمومی حرکت دنیا از لحاظ تحوّل جامعه بشری به چه سوئی گرایش دارد، از دید بهائی، پاسخ روشن است: دنیا به سوی وحدت عالم انسانی و عصر طلائی، پیش می‌رود.

البته واقعیت‌های موجود در عالم که نشان از انحطاطِ عظیم و نابودی جامعه دنیا دارد و تصویری که از این دنیایِ مادی در پیش چشم قرار گرفته، حقیقتِ اعتقادِ بهائی، که نشان از عصری پُرشکوه دارد را، امری غیرقابل درک و در صورت درک، غیرقابل باور، جلوه می‌دهد تا آنجا که به فرموده حضرت ولیّ عزیز امرالله «... اثراتِ پرتوانِ این طوفان مهیب، جز برای نفوسی که نسبت به ادّعی حضرت بهاءالله و حضرت باب شناختی عمیق دارند قابل درک نیست...»^۲ بنابراین، این موهبت گرچه شاید تنها برای بهائیان قابل لمس و درک است مع هذا باید باین نکته توجه داشت که ما بهائیان نیز در این مقطع زمانی قادر به درک کامل آن، آن‌گونه که باید باشد، نیستیم چنانکه حضرت بهاءالله می‌فرماید: «... قسم به امواج بحر معانی که از ابصار مستور است احدی قادر بر وصف این ظهور اعظم علی ماهو علیه نبوده و نیست...»^۳ و حضرت ولیّ امرالله نیز می‌فرماید: «... ادّعی احاطه بر کلیه مفاهیم نظم فخیم حضرت بهاءالله برای وحدت عالم انسانی یا درک اهمّیت آن در این برهه از زمان

۱ - مأخذ: ۸ صفحه ۷۲ و ۷۳ و مأخذ ۱۱ صفحه ۱۸.

۲ - مأخذ: ۳ صفحه ۲۱۹.

۳ - مأخذ: ۸ صفحه ۱۵.

حتی از جانب پیروان ثابت قدم امرش، عملی متهورانه محسوب می شود و
کوشش در تصوّر همه امکانات و احصای برکات آینده اش یا تصویر شکوه
و جلال آن حتی در این مرحله پیشرفت در تکامل عالم انسانی، اقدامی
عجولانه بشمار می آید.»^۱

۱ - مأخذ: ۸ صفحه ۳۵.

۳ - وحدت عالم انسانی

در نگرش به دنیای کنونی، درمی یابیم که وحدت عالم انسانی، با تصویری که از دنیای کنونی در ذهن بشر متصور است جز از راه اعتقادی، امکان پذیر نیست و وقتی موضوعی از راه اعتقادات قلبی مطرح می گردد بخصوص که باید عمل کرد به خاطر حُبِّ جمالش^۱، دیگر احتیاجی به اثبات آن دیده نمی شود. برای ما همین قدر که حضرت بهاء الله، وحدت عالم انسانی را هدفِ والای دیانت بهائی قرار دادند کاملاً مشخص است که تأییدی ملکوتی را همراه دارد و یقیناً بدان خواهیم رسید، اما چون بسیاری از موضوعها و اصول عقاید در دیانت بهائی با دلائل منطقی تشریح شده است، می توان دلایلی چند برای اثبات تحقق وحدت عالم انسانی مطرح نمود.

۱ - ۳ - دلایل تحقق وحدت عالم انسانی

دید اعتقادی بهائی برای وحدت عالم انسانی و اینکه این موهبت فقط برای بهائیان و شاید برای آن دسته از انسانها که دید وسیع جهانی دارند اما در عین حال به کیفیت روحانی آنچه که در دیانت بهائی مطرح است آگاهی ندارند، تا

۱ - مأخذ: (۱) مضمون از صفحه ۵.

حدودی قابل درک و لمس می‌باشد، بطوری که خواهیم دید، با دلایل منطقی نیز همراه و همگام است که فقط نفوس متعصب ممکن است از قبول این حقیقت امتناع ورزند.

تحقق وحدت عالم انسانی را می‌توان از سه جهت مورد بررسی قرار داد:

- سیر تاریخی - اجتماعی؛

- وابستگی‌های اقتصادی - اجتماعی - سیاسی؛

- پیشرفت‌های علمی و تکنولوژی و وجود زمینه‌های فکری.

۱-۱-۳ - سیر تاریخی - اجتماعی

نظری به سیر تاریخی - اجتماعی جامعه بشری، این گرایش را مشخص می‌سازد که گروه‌های بشری در طی قرون و اعصار، از مراحل گذشته‌اند، از یک تکامل تدریجی برخوردار شده‌اند و دایره پیوند خود را بطور مداوم وسعت بخشیده‌اند بدین معنی که این گروه‌های بشری از خانواده به عنوان کوچک‌ترین واحد اجتماع، شروع شده و پس از گذراندن مسیر وحدت قبیله و وحدت حکومت شهری به وحدت ملی رسیدند و اینک نیز به آخرین مرحله خود در کره ارض، که وحدت عالم انسانی باشد، نزدیک می‌شوند، درحقیقت جهت حرکت عمومی دنیا بسوی وحدت کشورها و مردم آن است.

از لحاظ سیر تاریخی، هیچ دلیل منطقی وجود ندارد که بشر سیر تکاملی خود را بسوی وحدتی در مرحله بالاتر طی نکند و یا بتواند در مقابل این روند اجتماعی مقاومتی کند که مانع از این حرکت تکاملی شود. بدیهی است مقاومت مذبحانه در قبول این هدف نهائی، مستلزم آشوب‌ها و تشنجاتی می‌شود که

بیشتر ناشی از تعصبات ملی است که شاید هم از لوازم ضروریّه این دوره انتقال و مرحله پرتلاطم تاریخ بشری باشد و با توجه به تجربیات تاریخی، در واقع می توان آن را یک امر طبیعی در تکامل جامعه بشری بشمار آورد. ولی این گونه مقاومت های ناشی از تعصبات که جنگ ها و رنج های فراوانی را باعث می شوند هرگز قادر نخواهند بود دنیا را از گرایش به سوی یک جامعه متحد جهانی باز دارند همان گونه که هرگز جنگ های قبیله ای نتوانست از وحدت شهر و یا هرگز جنگ های بین حکومت های شهری نتوانست از ایجاد وحدت ملی، جلوگیری نماید.

حضرت شوقی افندی ولیّ عزیز امر بهائی می فرمایند: «اتحاد اهل عالم مابه الامتیاز عصری است که حال، جامعه انسانی بدان نزدیک می شود. مجاهدات در حصول اتحاد خانواده و قبیله و تأسیس حکومت های شهری و وطنی یکی بعد از دیگری به محک تجربه آمده و با موفقیت تحقق یافته است. حال، اتحاد جهانی هدفی است که بشر پریشان بسویش روان است...»^۱

اما اینکه چرا ملت ها و یا رهبران سیاسی و اجتماعی از قبول آن امتناع می ورزند، بطوری که اشاره شد، بسبب وجود تعصباتی است که در رأس آن تعصب مربوط به منافع ملی قرار دارد و آن هم باین دلیل است که بشر، با همه پیشرفت های علمی و تکنولوژیکی که بدان نائل آمده است، هنوز به آن درجه از بلوغ فکری و روحانی نرسیده است که در آئینه تاریخ نظر افکند و از تجربیات و وقایع گذشته پند گیرد و بداند مقاومت در برابر سیر طبیعی تکامل اجتماعی، جز

۱ - مأخذ: ۱۳ صفحه ۲۶ و ۲۷.

تشنجات و انقلابات در بر ندارد و همین است که بشر باید رنج و آلمی شدیدتر از آنچه که تاکنون تجربه کرده است را تحمل نماید. بفرموده حضرت ولی امرالله «... متأسفانه این نکته بتدریج آشکار می‌گردد که تنها نیروی مصیبت و بلیه جهانی می‌تواند باعث تسریع در طلوع عصر جدیدی در تفکر انسان گردد.»^۱ و «... هیچ چیز جز آتش رنج و عذابی شدید که منجر به تطهیر و آمادگی بشر شود، نمی‌تواند رهبران آینده را برای قبول مسئولیت‌های خود آماده سازد.»^۲

اما بهر تقدیر این وحدت عالم انسانی که در سیر تاریخی - اجتماعی، حد نهائی جامعه بشری در کره ارض محسوب است، همچنین هدف نهائی و عالی دیانت بهائی نیز بشمار می‌رود و به فرموده حضرت ولی امرالله: «... مقدرات و مقاصد آئین بهائی با این مرحله از تکامل بشری پیوندی ناگسستنی دارد و قوای خلاقه منبث از ظهور حضرت بهاءالله، قابلیت وصول بدین مرحله نهائی از تکامل را به جامعه بشر ارزانی داشته است...»^۳ با «... انداز بدین واقعیت که تنها وسیله نجات دنیای رنجور و دردمند، قبول وحدت عالم انسانی است و بشارت بدین حقیقت که تحقق آن قریب الوقوع است.»^۴ و «... نتیجه حتمی قوای فعاله عصر حاضر»^۵ بشمار می‌رود و در میقات معین عملی خواهد شد. بفرموده حضرت بهاءالله «... وقتی میقات فرا رسد، ناگهان ظاهر خواهد شد آنچه که ارکان عالم را به لرزه در خواهد آورد.»^۶

۲ - مأخذ: ۸ صفحه ۵۱.

۱ - مأخذ: ۸ صفحه ۵۰ و ۵۱.

۴ - مأخذ: ۸ صفحه ۵۲.

۳ - مأخذ: ۸ صفحه ۸۳.

۶ - مأخذ: ۸ صفحه ۵۱.

۵ - مأخذ: ۸ صفحه ۵۲.

حضرت بهاءالله خطاب به اهل عالم می‌فرماید: «... سرپردهٔ یگانگی بلند شد به چشم بیگانگان یکدیگر را ببینید. همه بار یک دارید و برگ یک شاخسار» و «... عالم یک وطن محسوب و من علی الارض اهل آن...»^۱ «فخر از آن کسی نیست که فقط وطن خویش را دوست بدارد بلکه از آن کسی است که عالم را دوست بدارد.»^۲

در پایان تجزیه و تحلیل تحقق وحدت عالم انسانی از لحاظ سیر تاریخی - اجتماعی، ملاحظه می‌شود که فارغ از هر نوع مقاومت ناشی از تعصبات، سیر تاریخی - اجتماعی، تکامل تدریجی خود را بسوی وحدت عالم انسانی، ادامه می‌دهد.

۲ - ۱ - ۳ - وابستگی‌های اقتصادی - اجتماعی - سیاسی

عصری که ما در آن زندگی می‌کنیم، عصر اطلاعات و ارتباطات است که به دلیل پیشرفت‌های علمی و تکنولوژیکی حاصل آمده و نتیجه آن شده است که دولت‌ها و ملت‌ها هرچه بیشتر در یک ارتباط جهانی قرار گیرند و بهم نزدیک‌تر شوند. حاصل این ارتباطات سریع و ردّ و بدل کردن اطلاعات در عصر تکنولوژی آن شده که انسان‌ها در هر کشوری که زندگی می‌کنند پی ببرند که چه منابعی در کجا وجود دارد، چه نوع کالاهائی در کجا تولید می‌شود و در کجا چه نوع امکانات جدید از لحاظ پیشرفت‌های علمی و تکنولوژیکی بوجود آمده

۲ - مأخذ: ۸ صفحه ۴۵.

۱ - مأخذ: ۸ صفحه ۴۵.

است و با در دست داشتن این اطلاعات، نیازمندی‌های خود را در میان گذاشته و با کمک‌های متقابل، این نیازها را رفع نمایند. گرچه اطلاع بر چگونگی احوال کشورها باعث شده که دولتمردان و صاحبان صنایع و رهبران سیاسی و اجتماعی بمنظور دستیابی به منافع بیشتر، بین کشورها و مردم آنها، ایجاد تفرقه و نفاق کنند و نیز با سوءاستفاده از قدرت‌های نظامی و اقتصادی و سیاسی، نظرات خود را بر ضعیف‌ترها و نیازمندترها تحمیل نمایند معیناً «... صرف‌نظر از اعمال و اقوال رهبران قوای تفرقه‌انگیز جهان، ارتباط و اتکای متقابل ملل و دول عالم بیکدیگر واقعیتی تحقق یافته بشمار می‌رود.»^۱ که روز بروز هم بر وسعت آن افزوده می‌شود.

در حال حاضر واقعاً نمی‌توان کشوری را در جهان پیدا کرد که به نحوی از انحاء، مخصوصاً از لحاظ روابط اقتصادی، در ارتباط با کشور دیگری نباشد و از این جهت می‌توان گفت که واقعاً «... وحدت جهان در قلمرو اقتصاد، هم‌اکنون شناخته شده و پذیرفته شده است.»^۲

گرچه پیشرفت‌های علمی و فنی که در این قرن حاصل گشته و بدنبال خود ترقیات عظیمی که در تکامل اجتماعی جهان پدید آورده مبین آن است که بشر برای حل مشکلات خویش، وسائل و ابزار لازم را در دست دارد و می‌تواند حیات پیچیده و مشکل جهان متحد را بخوبی اداره کند، ولی وجود بعضی عوامل منفی و موانع مستولی بر روابط میان کشورها و مردم جهان، مانند شک‌ها و تردیدها، کج فهمی‌ها، تعصبات، منافع خصوصی و خودخواهی‌های کوتاه‌نظرانه، آنها را از دیدن دنیای وسیع‌تر جهان دوستی و همکاری در اتخاذ

۲ - مأخذ: ۸ صفحه ۸۷.

۱ - مأخذ: ۸ صفحه ۸۷.

تصمیماتی برای حل مشکلات جهانی، محروم می‌سازد. در واقع رنج و محنت عظیمی که هم‌اکنون جامعه بشری را در بر گرفته نتیجه قصور انسان‌ها در شناخت گرایشی است که جهان به سوی وحدت عالم انسانی دارد، گرایشی که از نظر بهائیان، گرچه سیر تاریخی - اجتماعی خود را طی می‌کند، اما در عین حال آمیخته با نیروی محرکه‌ای است که حضرت بهاءالله در رگ عالم تنفید فرموده‌اند. بسیار تعجب آور است که جوامع انسانی نیازهای مادی و اقتصادی خود را از جامعه جهانی برآورده می‌سازند اما چشم انصاف خود را بر روی سیر تکاملی به سوی وحدت عالم انسانی و جامعه متحد جهانی می‌بندند. بسیار تعجب آور است که با وجود مشاهد^۱ اینکه هر نوع حرکت سیاسی در یک سوی جهان یا ریشه و یا اثر در دیگر سوی جهان دارد و یا هر نوع تغییرات اجتماعی در یک کشور، تأثیر در کشور یا کشورهای دیگر می‌گذارد، معجزات دولتمردان و رهبران سیاسی و اجتماعی و نیز بسیاری از مردم، دانسته و یا ندانسته، از اینکه دنیا دارد به یک کشور تبدیل می‌شود و نیاز به یک نگرش جدید و یک دگرگونی سازمانی جدید دارد، چشم برمی‌بندند و بجای آنکه با چشم بصیرت و عالم‌بین وابستگی‌های اجتناب‌ناپذیر اقتصادی، اجتماعی و سیاسی هماهنگ با روند تکامل انسان را بسوی وحدت عالم انسانی در نظر گیرند و بدانند که نفع عمومی مردم دنیا در وحدت آنهاست و با چنین طرز تفکری مسائل و مشکلات پیچیده جهان را در این عصر انتقال حل کنند، برعکس بدلیل منافع خصوصی و تعصبات، در مقابل آن، مقاومت می‌ورزند و همین است که انسان‌ها در گذر از این مرحله انتقال به وحدت عالم انسانی، قهراً دچار رنج و عذابی بزرگ می‌گردند.

بطور خلاصه بررسی و مطالعه وابستگی های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی روشن می‌سازد که با وجود تعصبات گوناگون و پیروی از منافع ملی، چگونگی روابط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی حاکم بر انسان‌ها در عصر کنونی، نشان از ارتباطی جهانی و وحدت بین مردم دنیا دارد.

۳ - ۱ - ۳ - پیشرفت‌های علمی و تکنولوژیکی و وجود زمینه‌های فکری

از قرن نوزدهم، عملاً دیده می‌شود که ترقیات عظیمی در علوم و فنون بوجود آمده که از لحاظ عظمت و سرعت و کیفیت و کمیّت، یکسال آن قابل مقایسه با یک قرن از قرون گذشته نیست و در واقع حدیث مربوط به اینکه علم ۲۷ حرف است و در تمام ایام سابق ۲ حرف آن ظاهر گشت ولی از زمان قائم ۲۵ حرف دیگر ظاهر می‌گردد را از قوه به فعل درآورده است.^۱ به قسمت‌هایی از الواح حضرت عبدالبهاء در همین زمینه توجه کنیم که می‌فرمایند: «... مقصود این است که آنچه در قرون اولی از فضائل عالم انسانی به حیز ظهور پیوست و در عرصه شهود جلوه نموده از علوم و فنون و مخترعات و اکتشافات و مشروعات و اسرار کائنات و حقائق موجودات، کلّ به منزله دو حرف است اما آنچه بعد از ظهور قائم ظاهر خواهد شد از اسرار عالم و حقائق اشیاء و صنایع و بدایع و معلومات انسانی و سرّ مکنون و رمز مصون به منزله بیست و پنج حرف چنانچه ملاحظه نمائی که بعد از ظهور قائم چه

۱ - مأخذ: ۲۵ صفحه ۸ و مأخذ: ۱۹ صفحه ۳۵۱.

امور عظیمه حاصل شده ...» «یعنی این دور بدیع از دوره‌های سابق اینقدر امتیاز و فرق دارد چنانچه ملاحظه می‌نمائید که هنوز قرن اول است، در این مدّت قلیله چقدر اسرار کائنات از حیّز غیب به عالم شهود آمده، چه سرّهای مکنون و رمزهای مصون که در غیب امکان بوده ظاهر شده و چه اکتشاف‌ها از اسرار و حقائق اشیاء تحقّق یافته و چه صنایع و بدایع جلوه نموده و دیگر ملاحظه نما که من بعد چه خواهد شد...»^۱

ما اهل بها معتقدیم که با پیدایش دیانت بهائی، حیاتی جدید در هیکل عالم دمیده شد و قدرتی خلّاقه بوجود آمد و در قلوب و وجدان‌ها تحرّکی جدید پدیدار گشت تا دنیائی که روند آن قهراً در جهت وحدت عالم انسانی است، وسائل لازم را در اختیار داشته باشد. حضرت بهاء الله می‌فرمایند: «... از حرکت قلم اعلی روح جدید معانی به امر امر حقیقی در اجساد الفاظ دمیده شد و آثارش در جمیع اشیای عالم ظاهر و هویدا است این است بشارت اعظم که از قلم مظلوم جاری شده.»^۲

یادآوری این نکته مناسب است که اصولاً همه ادیان الهی به نوعی معتقد به وحدت انسان‌ها بودند و به وحدت بشر خدمت نمودند^۳ اما امکانات موجود در زمان گذشته، دستیابی به هدف وحدت بشر در کره ارض را غیرممکن می‌ساخت بنابراین وحدت‌هایی که در سایر ادیان الهی مطرح گردید در سطح قوم و قبیله و شهر و نهایتاً در سطح وحدت ملّی متوقف شد که البته در مسیر تکامل تدریجی این نوع تغییرات اجتماعی، چنین نیز می‌بایست باشد. اما تنها از زمان

۱ - مأخذ: ۱۹ صفحه ۳۵۱.

۲ - مأخذ: ۶ قسمت اول، صفحه ۱۸.

ظهور دیانت بهائی یعنی از اواسط قرن نوزدهم است که در اثر پیشرفت‌های علمی و تکنولوژیکی و پیشرفت‌های فکری بسیار سریع، امکانات شگرفی برای تحقق وحدت عالم انسانی بوجود آمده و این امکانات در فواصل زمانی بسیار کوتاه، بیشتر و بیشتر هم می‌شود.

حضرت عبدالبهاء در یکی از الواح می‌فرمایند: «... در دوره‌های سابق هرچند ائتلاف حاصل گشته است ولی بکلی ائتلاف من علی الارض، غیرقابل حصول، زیرا وسائل و وسائط اتحاد مفقود و در میان قطعات خمسۀ عالم ارتباط و اتصال معدوم بلکه در بین امم یک قطعه نیز، اجتماع و تبادل افکار معسور، لهذا اجتماع جمیع طوائف ممتنع و محال، اما حال وسائط اتصال بسیار و فی الحقیقه قطعات خمسۀ عالم حکم یک قطعه یافته و از برای هر فردی از افراد، سیاحت در جمیع بلاد و اختلاط و تبادل افکار با جمیع عباد در نهایت سهولت میسر، به قسمی که هر نفسی بواسطه نشریات، مقتدر بر اطلاع احوال و ادیان و افکار جمیع ملل...»^۱

قبل از اینکه به نقش قدرت و وسائل ارتباطی پردازیم شاید مناسب باشد که اشاره‌ای هرچند بسیار کوتاه به نقش پُست داشته باشیم که یکی از اولین روش‌های ارتباطی بین انسان‌ها بشمار می‌آید و خود از اهمیت خاص برخوردار است. بسیار جالب است که بدانیم پُست بصورت امروزی خود، در واقع در این عصر بوجود آمده است. حضرت عبدالبهاء در یکی از الواح خود می‌فرمایند: «... ترتیب پُسته و برید، در این عصر جدید تنظیم گردیده، اگرچه چاپار در زمان خوانین تاتار در ایران استمرار یافت ولی اختصاص به حکمران و

۱ - مأخذ: ۸ صفحه ۴۰.

حکمدار داشت این وضع بدیع از آثار این قرن رفیع است و این تمهیدِ ظهورِ اعظم بوده تا اخبار به آفاق برسد و مکاتبه بین شرق و غرب به نهایتِ سهولت انجام پذیرد. حضرت اعلیٰ روحی له الفداء فرموده‌اند که خلق باید اسبابِ سرعتِ مخابره فراهم آرند تا خبر من یُظهره الله به کمال سرعت در آفاق منتشر شود. در مدّتِ قلیله تلگراف به میان آمد، ملاحظهٔ نفوذِ کلمه بفرمائید...»^۱

۱ - ۳ - ۱ - ۳ - نقش وسائل ارتباطی

در اثر توسعهٔ تکنولوژی و ایجاد دستگاههای الکترونیکی، در وسائل ارتباطی پیشرفت‌های فراوانی بوجود آمده است. کامپیوتر در این پیشرفت سهم بالایی را دارد چه که پدیده‌ای است که در زمینهٔ جمع‌آوری و ذخیره کردن اطلاعات، توزیع اطلاعات به شکل‌های مختلف، تبدیل اطلاعات از یک سیستم به سیستم دیگر، سرعت بخشیدن به تبدیل و توزیع اطلاعات و بهره‌برداری از اطلاعات بصورت‌های مختلف و مخصوصاً در شاهره ارتباطی (Internet)، نقش اساسی دارد. استفاده از کامپیوتر در وسائل مختلف ارتباطی، این وسائل را در سطح جهانی از قدرت‌های عظیمی برخوردار نموده است. در حال حاضر این وسائل ارتباطی یعنی ماهواره، رادیو، تلویزیون، تلفن، فکس، هواپیما، کشتی، قطار راه‌آهن، اتومبیل و غیره نقش بزرگی را در ارتباطات جهانی ایفا می‌نمایند. باتوجه به نقش پُراهمیت این وسائل ارتباطی، ملاحظه می‌کنیم که چگونه ارتباط

۱ - مأخذ: ۲۵ صفحه ۶۷.

بین مردم روی زمین، اولاً امکان پذیر گشته و راه برای ایجاد یک جامعه متحد جهانی باز شده و ثانیاً بدلیل سرعت در برقراری ارتباط، ارتباط بین مردم از لحاظ زمانی به چه اندازه کاهش یافته است. حضرت ولی امرالله در پیش بینی ایجاد این وسائل می فرماید: «... دستگاهی برای مخابرات و ارتباطات جهانی ابداع خواهد شد که تمامی کره ارض را در بر خواهد گرفت، از موانع و قیود ملی آزاد خواهد بود و با سرعتی حیرت انگیز و انتظامی کامل، بکار خواهد افتاد. یک مرکز بین المللی، بمنزله مقر ارتباط مدنیّت جهانی عمل خواهد کرد و به مثابه کانونی خواهد بود که قوای وحدت بخش حیات به سوی آن متوجه و در آن نقطه متمرکز و از آنجا فیوضات و اثرات نیروبخش، صدور خواهد یافت.»^۱

امروزه، وجود ماهواره های عظیم مخابراتی مشغول گردش در فضا، توانائی های لازم برای مخابره و ارتباط در کره ارض را فراهم آورده است بطوری که با فشار یک تکمه می توان هر قسمت از کره زمین را مشاهده نمود یعنی بوسیله رادیو و تلویزیون امکان شنیدن و دیدن پیدا می کنیم. بوسیله تلفن، ارتباط مکالمه ای برقرار می سازیم، بوسیله فکس ارتباط مکاتبه ای فوری می توانیم داشته باشیم، همچنین قادر خواهیم بود بوسیله نشریات، امکان خواندن پیدا کنیم و می توانیم بوسیله هواپیما، قطار راه آهن، اتومبیل، کشتی و غیره امکان جابجائی و تغییر مکان داشته باشیم. حال اگر موضوع آموزش عمومی و اجباری برای سوادآموزی به منظور خواندن و نوشتن همه مردم دنیا و نیز وحدت زبان و خط، به جمع این دستگاهها اضافه شود، در واقع امکانات لازم برای ایجاد

۱ - مأخذ: ۱۱ صفحه ۱۰۳ و ۱۰۴ و مأخذ: ۸ صفحه ۷۶ و ۷۷.

وحدت عالم انسانی بوجود آمده است.

۲ - ۳ - ۱ - ۳ - عوامل اساسی وحدت عالم انسانی

باتوجه به مطالب فوق، ملاحظه می‌شود که در حال حاضر امکانات لازم برای وحدت انسان‌ها در کرهٔ ارض فراهم آمده است اما بهتر است به جزئیات این مطلب با دقت بیشتری توجه شود یعنی بینیم چه وقت و چگونه وحدت عالم انسانی به مفهوم حقیقی خودش، صورت خارجی پیدا می‌کند. با این هدف، به بررسی عوامل ظاهری وحدت و عوامل حقیقی وحدت می‌پردازیم:

۱ - ۲ - ۳ - ۱ - ۳ - عوامل ظاهری وحدت

عوامل ظاهری وحدت که بیشتر جنبه مادی دارند منجر به ایجاد یک نوع وحدت ظاهری می‌شوند که در نتیجهٔ تکامل و پیشرفت‌های علمی و تکنولوژیکی حاصل شده‌اند و بعضی تغییرات فکری - اجتماعی را نیز در بر دارند و آن وقتی است که از لحاظ زمانی و مکانی کلیهٔ «عوامل وحدت» و «وسائل وحدت» و «اصول وحدت» که برای وحدت نوع بشر ضروری محسوب می‌شوند، وجود داشته باشند یعنی شرایط لازم برای ایجاد وحدت ظاهری فراهم آمده باشد.

(۱) - عوامل وحدت: مربوط به انسان‌ها است و جنبه جسمانی دارند و با بکار گرفتن آنها در سطح جهانی، ارتباط بین ابناء بشر عملی می‌شود و وحدت

به منصفه ظهور می‌رسد. این عوامل عبارتند از: دیدن، هر نقطه از جهان را؛ شنیدن، از هر نقطه جهان؛ گفتگو کردن، با هر نقطه جهان؛ مکاتبه کردن، با هر نقطه جهان؛ خواندن و نوشتن، به یک زبان و خط متداول در همه نقاط جهان و بالاخره تغییر مکان دادن به هر نقطه‌ای از جهان.

(۲) - وسائل وحدت: وسائل وحدت در واقع همان وسائل ارتباطی

هستند و باعث می‌شوند که عوامل وحدت، بسرعت در ارتباط جهانی بکار افتند. این وسائل از این قرارند: تلویزیون برای دیدن؛ رادیو برای شنیدن؛ تلفن برای گفتگو کردن؛ نشریات و مجلات و کتابها برای خواندن؛ فکس برای مکاتبه کردن فوری و بالاخره هواپیما، کشتی، قطار راه‌آهن، اتومبیل و غیره، برای جابجا شدن و تغییر مکان دادن.

هم‌اکنون کلیه وسائل لازم برای ایجاد وحدت انسان‌ها، آنطور که بتواند در کره ارض عمل کند، در اختیار بشر قرار دارد اما با در دسترس بودن و قابل استفاده بودن این وسائل، باز هم وحدت عالم انسانی، نمی‌تواند متحقق گردد. بطور مثال وسیله برای جابجائی سریع از محلی به محلی یا کشوری به کشوری یا قاره‌ای به قاره‌ای، وجود دارد - هواپیما - اما وقتی این تغییر مکان انجام شد عامل بازدارنده‌ای وجود دارد که وحدت را متزلزل می‌سازد مثلاً بدلیل نبودن یک زبان مشترک، صحبت کردن و آنچه را که در دل است به زبان آوردن، میسر نمی‌شود یا تلفن و فکس وجود دارد ولی بسبب نبودن یک زبان و خط مشترک، ایجاد ارتباط، عملی نمی‌گردد بنابراین وحدت عالم انسانی وقتی امکان‌پذیر می‌گردد که همراه با این وسائل، اصول وحدت نیز مورد عمل قرار گیرند.

(۳) - اصول وحدت: اصولی هستند که عملی شدن آن‌ها مکمل

و سائل وحدت است در تحقق کامل وحدت ظاهری، این اصول عبارتند از: اصل آموزش اجباری و عمومی و اصل وحدت زبان و اصل وحدت خط. که در واقع بدنبال ایجاد نوعی زمینه‌های فکری، در این عصر پدید آمده‌اند و در جهت تغییر اساس جامعه انسانی بتدریج قوت می‌گیرند.

اصل آموزش اجباری و عمومی، همه انسان‌های روی کره زمین را از این موهبت بهره‌مند می‌سازد که بتوانند بخوانند و بنویسند. اصل وحدت زبان به همه این توانائی را می‌دهد که به هر جای دنیا که وارد شوند بتوانند با مردم آنجا گفتگو کنند و خواسته‌ها و احساسات خود را بیان دارند و سوء تفاهمات را برطرف سازند به نحوی که زبان، عامل ارتباط بین آنها و اشخاص یا گروه‌های دیگر گردد و بالاخره اصل وحدت خط همه انسان‌ها را قادر می‌سازد که بتوانند بنویسند بصورتی که نوشته آنها باعث انتقال دانش و خواسته‌ها و احساسات آنها در سطح دنیا گردد.

اما اصول وحدت در حال حاضر، در سطح جهان کاملاً عملی نشده است. اصل آموزش اجباری و عمومی از سال‌ها پیش مورد عمل بسیاری از کشورهای دنیا بوده است و امروزه نیز تقریباً همه کشورهای دنیا، حداقل به لزوم آن به عنوان یک ضرورت اجتماعی توجه دارند حتی اگر به علت فقر یا عوامل سیاسی و یا سایر عوامل بازدارنده، امکانات انجام آن را نداشته باشند. اما اصل وحدت لسان و خط که ما بهائیان انتظار تحقق آن را داریم دیر یا زود در سال‌های آینده عملی خواهد شد.

حضرت بهاء الله می‌فرماید: «از جمله اموری که سبب اتحاد و اتفاق می‌گردد و جمیع عالم یک وطن مشاهده می‌شود آن است که السن مختلفه

بیک لسان منتهی گردد و همچنین خطوط عالم به یک خط ... عنقریب جمیع اهل عالم به یک لسان و یک خط مزین در این صورت هر نفسی به هر بلدی توجه نماید مثل آن است که در بیت خود وارد شده. این امور لازم و واجب. هر ذی بصر و سمعی باید جهد نماید تا اسباب آنچه ذکر شد از عالم الفاظ و اقوال به عرصه شهود و ظهور آید.»^۱

حضرت عبدالبهاء در یکی از مکاتیب خود که به لوح هفت شمع معروف است می فرماید: «... و این اسباب از معجزات این عصر مجید و قرن عظیم است و قرون ماضیه از آن محروم زیرا این قرن انوار، عالمی دیگر و قوتی دیگر و نورانیتهی دیگر دارد. این است که ملاحظه می نمائی در هر روزی معجز جدیدی می نماید و عاقبت در انجمن عالم شمع های روشنی برافروزد و مانند بارقه صبح، این نورانیت عظیمه، آثارش از افق عالم نمودار گشته... و شمع هفتم وحدت لسان است یعنی لسانی ایجاد گردد که عموم خلق تحصیل آن نمایند و با یکدیگر مکالمه کنند. این امور که ذکر شد جمیعاً قطعی الحصول است زیرا قوتی ملکوتیه مؤید آن...»^۲

ملاحظه می کنیم که وحدت لسان که البته وحدت خط را نیز به همراه خواهد داشت، امری است قطعی الحصول، چه اگر وحدت عالم انسانی که هدف عالی و روحانی دیانت بهائی است می باید تحقق پذیرد پس بایستی اصولی هم که تحقق آنها منجر به تحقق وحدت عالم انسانی می گردد، به مرحله ظهور و بروز برسند.

۲ - مأخذ: ۷ صفحه ۳۵۷ و ۳۵۸.

۱ - مأخذ: ۲ صفحه ۲۶.

۲ - ۲ - ۳ - ۱ - ۳ - عوامل حقیقی وحدت

عوامل حقیقی وحدت که بیشتر جنبه روحانی دارند در نتیجه تغییراتی است اساسی در طرز تفکر انسان و در رابطه با یک نوع تغییرات اجتماعی - روحانی که همراه با عوامل ظاهری وحدت، منجر به وحدت حقیقی می‌گردند و آن وقتی است که «عوامل ثبات دهنده وحدت» نیز تحقق پیدا کنند تا به سبب عملکرد آنها دوام و استمرار وحدت عالم انسانی امکان پذیر گردد که در واقع این عوامل، شرایط کافی برای تحقق وحدت نوع بشر بشمار می‌آیند. در مطالعه عوامل ثبات دهنده وحدت، یادآوری دو نکته از پیش ضروری است:

- اول آنکه برای اجتناب از هرگونه مطلق‌گرایی که ایجاد سوء تفاهم می‌کند می‌باید قویاً به نسبی بودن امور توجه نمود.

- دوم آنکه می‌باید وابستگی و ارتباط بین این عوامل را در نظر داشت بدین معنی که جلوه وحدت حقیقی عالم انسانی، در واقع نتیجه تحقق عوامل ثبات دهنده وحدت، در مجموع می‌باشد، یعنی آنکه عملی شدن یک یا دو عامل گرچه در مسیر تکامل جریان‌ها بسوی وحدت عالم انسانی است اما نباید تصور شود که وحدت تحقق یافته است.

عوامل ثبات دهنده وحدت: همانطور که بیان شد با کاربرد «وسائل وحدت» و عملی کردن «اصول وحدت» در سطح جهانی، «عوامل وحدت» خود بخود به کار خواهند افتاد و می‌توان به وحدت عالم انسانی دست یافت. اما این وحدت، وحدتی است ظاهری و مادی و متزلزل و نه یک وحدت حقیقی و روحانی و پایدار زیرا از کیفیتی محروم است و آن ضمانت اجرا برای استمرار و

تداوم آن است. بنابراین باید عوامل دیگری که عوامل ثبات دهنده وحدت بشمار می‌روند نیز به منصفه ظهور و بروز برسند، عواملی که در نتیجه تغییر طرز تفکر انسان‌ها بوجود می‌آید، عواملی که می‌توانند عدالت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را تضمین نمایند، عواملی که قادر به تقلیب روحانی انسان‌ها می‌باشند، عواملی که، از دید بهائی، جز به قوه الهی هیچ عامل دیگری نمی‌تواند به تأسیس آنها توفیق یابد.

این عوامل ثبات دهنده وحدت، بعضی جنبه درونی و روحانی دارند که متأثر از تربیت روحانی‌اند که باید در اثر بلوغ روحانی و تغییر طرز تفکر و قبول این حقیقت باشد که وحدت حقیقی انسان‌ها در کره ارض جز به قوه ملکوتی ظهور حضرت بهاءالله بوجود نمی‌آید و بعضی جنبه بیرونی و اجتماعی دارند که یا در اثر بلوغ فکری و یا به علت اجبار است که دولتمردان و رهبران و سیاستمداران و نیز ملت‌ها دست از تعصبات بی‌نتیجه خود برمی‌دارند و بدان تن در می‌دهند. در اثر همین تغییرات روحانی - اجتماعی است که سازمانی (حکومت جهانی) تأسیس خواهد شد که در آن یک قوه قانونگذاری بین‌المللی، یک قوه اجرائی بین‌المللی و یک قوه قضائی بین‌المللی وجود خواهد داشت، که مؤید به تأییدات الهی خواهد بود و مقررات و قوانینی را در سطح جهانی پیاده و اجرا خواهد کرد به نحوی که وحدت حقیقی انسان‌ها را در کره ارض تضمین و عملی سازد. بعضی از این عوامل ثبات دهنده عبارتند از:

(۱) - صلح و امنیت و آرامش حقیقی: حضرت عبدالبهاء در پایان

جنگ جهانی اول با اطمینان باین نکات تأکید فرمودند که «معاهده‌ای که ملل و دول، آن را به منزله مظهر پیروزی عدالت شمرده و به عنوان وسیله وثیق

صلح و مودّتی پایدار استقبال کرده‌اند، در بطن خود مکر و تزویری ظالمانه پنهان دارد که بالمآل عواقب وخیمی بیار آرد» و همچنین «رؤسا و مردم لاینقطع می‌گویند صلح، صلح و حال آنکه هنوز نار ضغینه و بغضا در صدورشان شعله‌ور است» و یا «سندی که از آن به عنوان منشور آزادی عالم بشریت مدح و ستایش شده است در بطن خود چنان بذره‌های مکر و فریبی تلخ پنهان دارد که دنیا را بیش از پیش به اسارت خواهد کشید.»^۱

با توجه به همین نکات است که در کنار صلح و امنیت و آرامش که بنا به تعریف، حالت طبیعی و غیرجنگی یک ملت یا گروهی از ملّت‌ها با دنیا و یا حالت هماهنگی متقابل بین مردم یا گروه‌ها و بالاخره نظم و امنیت عمومی است^۲، کلمه حقیقی را بکار گرفته‌ایم و این بدان معنی است که صلح ظاهری که در ورای آن حيله و نیرنگ نهفته است، یا صلحی که در آن به جمع آوری تسلیحات، برای جنگی عظیم‌تر پردازند یا بطور کلی صلح مسلح، مورد نظر نیست بلکه صلحی مورد نظر است که پایدار باشد، صلحی که ریشه در قلب داشته باشد، صلحی که در آن انسان‌ها واقعاً احساس آرامش کنند، صلحی که در آن انسان‌ها بتوانند با اطمینان خاطر برای آینده خود و فرزندانشان برنامه‌ریزی کنند. بدیهی است منافع خصوصی یا ملّی یا تکیه بر قدرت‌های اقتصادی یا نظامی، مانع از ایجاد صلح است مگر آنکه اوضاع اقتصادی - اجتماعی دنیا به نحوی فلاکت‌بار چنان رو به سقوط و سراسیمی رود و نیز تسلیحات نظامی مرگ‌بار آن‌چنان افزایش یافته و در دسترس دولت‌ها و گروه‌های سیاسی قرار گیرد که امید را از همه سلب کند و قدرت‌های بزرگ را بر سر این دوراهی قرار دهد که

۲ - مأخذ: ۳۱.

۱ - مأخذ: ۹ صفحات ۲ و ۳.

بین مرگ و زندگی، بودن و نبودن، یکی را انتخاب کنند. اگر زندگی، بودن و ماندن را انتخاب کنند که از لحاظ منطقی می‌باید همین را قبول نمایند، باید ابتداء خود را مجبور به قبول صلح و سپس قبولاندن آن به دولت‌های کوچکتر نمایند. بدیهی است چنین صلحی، البته یک صلح اجباری و سیاسی خواهد بود که پیش‌بینی وحدت سیاسی یا صلح اصغر، که از دیدگاه بهائی تا پایان همین قرن باید عملی شود، را در بر دارد. حضرت بهاء‌الله در کمال اطمینان می‌فرماید: «... این جنگ‌های بی‌ثمر و منازعات خانمانسوز منتهی شود و صلح اکبر تحقق یابد.»^۱ همچنین خطاب به سلاطین و رؤسای ارض می‌فرماید: «... چون که از قبول صلح اعظم امتناع ورزیده‌اند به صلح اصغر تمسک نمائید تا امور شما و رعایایتان بهتر شود.»^۲ «... اعلان صلح اصغر، عالم را از بلای عقیم و داء و یبیل نجات دهد...»^۳ و آغازی است برای آنکه انسان‌ها در اثر تربیت روحانی و اخلاقی و قوه ایمانی بتدریج عَلم صلح اعظم را بر روی کره زمین به اهتزاز درآورند. صلح اعظم صلحی است که ملت‌ها، عامل ایجاد آن هستند، صلحی است که اصل آن در عقل و وجدان پایه‌گذاری می‌شود، صلحی است که نه از روی اجبار، بلکه از روی شناخت حقیقت انسان‌ها، که از مهر و شفقت و عشق منشاء می‌گیرد، بوجود می‌آید و بنابراین صلحی است که ریشه در قلوب دارد. صلح اعظم صلحی است که جامعه بهائی در عصر طلائی قادر به ایجاد آن خواهد بود.^۴

۲ - مأخذ: ۸ صفحه ۶۶ و مأخذ: ۵ صفحه ۱۳۸.

۱ - مأخذ: ۲۲ صفحه ۴۹.

۴ - مأخذ: ۲۰ صفحه ۱۶.

۳ - مأخذ: ۱۰ صفحه ۶۱.

(۲) - تساوی حقوق زنان و مردان: حق موهبتی است که یا بصورت

طبیعی یا در اثر قوانین اجتماعی به انسان‌ها تعلق می‌گیرد. استفاده از هوا و زندگی کردن حق طبیعی انسان‌ها است و مرزی بین زن و مرد نمی‌توان قائل شد. قوانین اجتماعی با فرض وجود عدالت در آن که باید در نفس هر قانونی موجود باشد، چه در جهت محدود کردن انسان و یا در جهت دادن اختیار استفاده از موهبتی به انسان، نیز مرزی بین زن و مرد نمی‌شناسد بنابراین جدا از وظائفی که با توجه به تفاوت‌های فیزیکی - روانی و یا احساسات متفاوت، که بنا به طبیعت زن و یا مرد برای آنها در نظر گرفته می‌شود، نباید فرقی بین زن و مرد وجود داشته باشد. در حقیقت حقوق آنها باید مساوی باشد. حال با چنین معیاری چگونه می‌تواند تصور نمود وحدتی حقیقی بین ابناء بشر وجود دارد در حالی که حقوق نیمی از همین افراد که زنان باشند نادیده انگاشته شده است.

حضرت عبدالبهاء مثال زیبایی دارند در مورد پرواز پرنده به قدرت دو بال و تشبیه این بال‌ها به مادیات و روحانیات یا به زنان و مردان که در بسیاری موارد از آن استفاده می‌کنیم. در این مورد، عالم انسانی مثل یک پرنده است، این پرنده با دو بال می‌تواند پرواز کند و به اوج برود یک بال، زنان هستند و بال دیگر مردان. هر بال این پرنده دچار نقص و اشکال گردد ایجاد عدم تعادل می‌کند و پرنده را از پرواز محروم می‌سازد. وحدت عالم انسانی نقطه اوج وحدت در کره ارض بشمار می‌رود. پرواز باین نقطه اوج مستلزم شناخت حقوق زنان و مردان به تساوی است بنابراین یکی از مهم‌ترین عوامل در ایجاد وحدت انسان‌ها در عالم، آن است که در تمام دنیا، حقوق زنان همان قدر مورد توجه و عمل قرار گیرد که حقوق مردان و این امر البته باید به عنوان یک حق طبیعی بشمار آید.

گذشته از آنچه که بیان شد می‌توان با نگاهی دیگر، موضوع زنان و حقوق

زنان و تأثیر خدمات آنها در جامعه بشری را مورد بررسی قرار داد و آن اینکه بطور کلی زنان علت اصلی رشد محبت و عشق موجود انسانی از زمانی که بصورت چنین در رَجَم مادر زندگی می‌کند، می‌باشند و اصولاً طبیعت زنان طوری است که عموماً کمتر راضی می‌شوند که فرزندان و همسران و پدران و برادرانشان در جنگ کشته شوند و به فرموده حضرت عبدالبهاء «چون نسوان در عالم انسانی نفوذ و تأثیر کلی یابن ۴ از جنگ محققاً جلوگیری نمایند.»^۱ بنابراین زنان عامل مهم در برقراری و حفظ صلح بشمار می‌آیند و از این جهت نیز در ایجاد وحدت عالم انسانی سهمی اساسی و مؤثر دارند.

(۳) - ترک تعصبات: اگر انسان به یک طرز تفکر خاص دلبستگی

افراطی و شدید داشته باشد و یا اگر بخواهد همه پدیده‌های اجتماعی، سیاسی و مذهبی را فقط در چهارچوب اعتقادات و معیارهای قابل قبول خود مورد توجه قرار دهد و یا عقیده‌ای را فقط بدلیل تنفر و انزجار شخصی نپذیرد، در چنین حالتی انسان در بند تعصب گرفتار آمده است و نمی‌تواند در باره مجهولات طبیعی و مجهولات زندگی به تفکر پردازد.^۲ درحقیقت مرغ فکر انسان نمی‌تواند به قصد جستجوی حقیقت، با سبکبالی در آسمان اندیشه‌ها به پرواز درآید و با برخورد با اندیشه‌ها و تجزیه و تحلیل آنها براساس اصولی منطقی، حقیقت را کشف کند. البته طرفداری از یک اعتقاد که متکی بر منطق درست و دلایل محکم تجربی و علمی باشد، طرفداری از حقیقت است و اجازه می‌دهد که آن اعتقاد در میدان برخورد اندیشه‌ها، جولان کند و حقیقت را دریابد و حال

۲ - مأخذ: ۲۶ صفحه ۱۷.

۱ - مأخذ: ۲۸ صفحه ۳۸۳.

آنکه عقیده ایجاد شده بر سبیل عادت و تقلید و دلبستگی افراطی بدان، تعصب است به بیان دیگر طرفداری از یک عقیده و مسلک، بدون در دست داشتن منطق و دلیل و یا عدم قبول یک عقیده و مسلک جدید که متکی بر دلایل منطقی است، بسبب اعتقاد افراطی به معیارهای مورد قبول خود بدون دلیل و منطق، تعصب نامیده می شود که قوای ذهنی را از حرکت باز می دارد.

باین ترتیب تعصب مانند پرده ای است که جلوی چشم سر و چشم دل و چشم عقل را می گیرد و انسان را از دیدن حقائق و تفکر رها از اسارت اعتقادات افراطی، باز می دارد. انسان هرگز نمی تواند، با وجود تعصبات طبقاتی، قومی، نژادی، زبانی، رنگی، دینی، جنسی و ملی به وحدت عالم انسانی دست یابد. بنابراین لازم است ابتداء این پرده اوهام را برانداخت و با قلبی پاک و چشمی پاک و گوش پاک، آماده پذیرش حقائق شد. حضرت بهاء الله می فرمایند: «... چشم ودیعه من است او را به غبار نفس و هوئی تیره مکن و گوش مظهر جود من است او را باعراض مشتبه نفسیه، از اصغای کلمه جامعه باز مدار. قلب خزینة من است، لثالی مکنونه آن را به نفس سارقه و هوس خائن مسپار...»^۱

بی شک دولتمردان و رهبران سیاسی و دینی در رهائی مردم از بند تعصبات نقش مهمی را بازی می کنند. اگر آنها بدون در نظر گرفتن منافع خصوصی یا ملی خود، به افراد آگاهی های لازم را داده، اقدامات و احساسات آنها را در مجاری مطلوب و در جهت خدمت به انسان ها بکار گیرند، در اینصورت این پرده های اوهام سریع تر و راحت تر از جلوی چشم ها برداشته می شود و چشم ها برای دیدن

۱ - مأخذ: ۲ صفحه ۱۴۷.

حقائق باز می‌گردد و بنابراین، تعصبات ملال‌انگیز، ستیز آور و جنگ برانگیز، از هر نوعش که بر شمرده شد از فکر و قلب بیرون می‌رود و جای آن به آشتی، محبت و صلح که از بنیان‌های روحانی وحدت عالم انسانی است داده می‌شود.

(۴) - تعدیل معیشت و کاهش فقر و ثروت مفرط: در دنیایی که

تعداد بسیار کمی از مردم، نسبت بالائی از ثروت را در اختیار خود دارند؛ در دنیایی که دولت‌ها و سرمایه‌داران به سبب بی‌عدالتی با همکاری یکدیگر یا به بیان بهتر، با تبانی‌های پنهان و آشکار و با وضع قوانین و مقررات غیرمنصفانه و بنفع خود، مردم را استثمار کرده، به آنان ظلم روا می‌دارند و به سوی فقرشان می‌کشانند؛ در دنیایی که برای فروش جنگ‌افزار، به منظور کسب ثروت بی‌اندازه، جنگ می‌افروزند و باعث ویرانی کشورها می‌شوند؛ در دنیایی که گرسنگی و فقر و نبود حداقل امکانات برای زیستن، تعداد بی‌شماری از افراد بشر را در بر گرفته است و بالاخره در دنیایی که ارتباطات بین انسان‌ها، صرفاً مادی شده و نشانه کوچکی از احساسات روحانی و توجه به انسان‌ها و ارزش‌های انسانی، نه در حرف، که در عمل، وجود ندارد، چگونه می‌توان از بروز جنگ جلوگیری نمود و انتظار صلح و وحدت داشت؟ این، مسئله و مشکل بزرگی است که دنیا با آن روبرو است و از میان برداشتن آن در حلّ مشکلات اقتصادی از طریق روحانی و تعدیل معیشت با حفظ ارزش‌های انسانی نهفته است و چنان که بیت‌العدل اعظم مطرح فرموده اند راه حل آن را «باید در ترکیبی از مجموعه‌ای از اقدامات روحانی و اخلاقی و عملی جستجو نمود و به آن با دیده تازه‌ای که مستلزم مشورت با متخصصین در میدان‌های وسیع و متنوع باشد، نگریست. مشورتی که خالی از شائبه مجادلات مرامی و اقتصادی باشد و در

آن مردمی را که قرارها و تصمیم‌های متخذه در زندگیشان تأثیر مستقیم دارد ذی‌مدخل سازد. این امر نه تنها وابسته به لزوم تعدیل معیشت و از میان بردن فقر و ثروت مفرط است بلکه با حقائق روحانی‌های مربوط است که ادراکش سبب اتخاذ یک روش و رفتار بین‌المللی می‌گردد که خود سهمی عظیم در حل آن مسئله دارد.^۱ با حل این مسئله البته ابرهای تیره جنگ کنار می‌رود، باران ظلم و اعتساف قطع می‌شود، آسمان صاف و آبی صلح جلوه‌گر می‌شود، ستارگان عدالت اقتصادی می‌درخشند و آفتاب وحدت حقیقی، عالم انسانی را گرم می‌کند.

«ای اهل عالم همه بار یک دارید و برگ یک شاخسار. بکمال محبت و اتحاد و مودت و اتفاق سلوک نمائید. قسم به آفتاب حقیقت، نور اتفاق، آفاق را روشن و منور سازد. حق آگاه، گواه این گفتار بوده و هست. جهد نمائید تا باین مقام اعلی که مقام صیانت و حفظ عالم انسانی است فائز شوید. این قصد سلطان مقاصد و این امل ملیک آمال. ولکن تا افق آفتاب عدل از سحاب تیره ظلم فارغ نشود ظهور این مقام مشکل بنظر می‌رسد.»^۲

(۵) - تقلیب روحانی و تربیت روحانی: شاید بتوان نیازمندی‌های

انسان را در سه نیاز جسمانی، عقلانی و عاطفی مورد نظر قرار داد. نیازهای جسمانی، احتیاجات مادی و فیزیولوژیکی بشر را که شامل خوراک و مسکن و بهداشت و غیره می‌باشد، مجسم می‌سازد. نیازهای عقلانی، میل به حقیقت‌جوئی و دانش طبیعی انسان را تشکیل می‌دهد و بالاخره نیازهای عاطفی شامل تمایلات

۲ - مأخذ: ۲ صفحه ۹۵.

۱ - مأخذ: ۱۳ صفحه ۱۵ و ۱۶.

عالی انسان مثل عشق، محبت و حس تجلیل و احترام می‌باشد. برای تأمین این نیازمندی‌ها نیز نهضت‌های اجتماعی مختلفی بوجود آمده‌اند که بعضی صرفاً نهضت اقتصادی هستند که به تأمین نیازمندی‌های مادی انسان توجه دارند. بعضی نهضت‌های علمی و فرهنگی می‌باشند که تنها بر اندیشه‌ها و تفکرات انسانی و توسعه آنها توجه دارند و بالاخره نهضت‌های روحانی که در کلمه دین خلاصه می‌شود که بیشتر بر نیازهای عاطفی انسان توجه دارند و محور تعالیم خود را تلطیف وجدان و رشد عواطف انسان قرار داده‌اند.

در حقیقت مفهوم انسانیت در کلمه ماده، عقل و عاطفه خلاصه می‌شود و اگر در یکی از آنان ضعف یا نقصان پدید آید و یا اینکه به رشد و کمال طبیعی و متعادل خود نرسد، آنگاه حس انسانی به مفهوم صحیح تکامل و رشد خود راه نیافته و کلمه انسانیت را تمام نمی‌کند. اما از لحاظ عاطفی نیز اساساً، اجتماعی که افراد تشکیل دهنده آن فاقد رشد لازم باشند بسیار خطرناک بوده احساس اعتماد و آرامش و امنیت در چنین جامعه‌ای بسیار مشکل خواهد بود.^۱ بنابراین آنچه که بیشتر سبب ایجاد یک نوع رابطه منطقی و متعادل بین انسان‌ها می‌شود در حقیقت همان نیازهای عاطفی و ارزش‌های والای انسانی است که به آسانی از راه دین امکان‌پذیر است.

معتقدیم که یکی از خصوصیات هر دین جدید آنست که وقتی پا به عرصه ظهور می‌نهد، همزمان، حکمت الهی اقتضاء می‌کند که عالم نیز بنوعی آماده پذیرش آن گردد و افرادی برگزیده می‌شوند که امر جدید الهی را بگوش مردم برسانند. در حقیقت از یک سو با نفوذ کلمه الهی همراه با روح جدیدی که در

۱ - مأخذ: ۲۶ صفحه ۱۳۹.

عالم وجود ایجاد گردیده و از سوی دیگر نیاز به یک تقلیب روحانی که در جوامع انسانی پدید آمده، امر جدید در هر شرائطی به پیشرفت خود ادامه می دهد.

در همین زمینه حضرت عبدالبهاء می فرماید: «وقتی ندای الهی بلند گردید، حیاتی جدید بر هیکل عالم دمید و روح بدیع، بر جمیع خلایق افاضه نمود به همین دلیل عالم عمیقاً به هیجان آمد و قلوب و وجدانِ نفوس تحرّکی جدید یافت. عنقریب آثار این خَلقِ بدیع ظاهر شود و خفتگان از خواب غفلت بیدار گردند.»^۱

با توجه باین مراتب دستیابی به وحدت عالم انسانی که امری روحانی است، ایجاد زمینه های فکری لازم برای قبول آن، نه بصورت اجبار، بلکه قبول از راه قلب و عواطف انسانی، لازم و ضروری است. فکر خدمت کردن به نوع انسان که منشاء اش از عشق و محبت باشد، دین خدا را برای حفظ اتحاد و الفت بین ابناء بشر دانستن؛ علم و دین و عقل را متوافق دانستن و آنها را در جهت شناخت و اعتلای حقیقت انسانی و رفاه بشر به خدمت گرفتن؛ ارتقاء دادن موضوع صلح جهانی از مرحله صرفاً عملی و اجرائی به سطحی بالاتر یعنی توجه کردن به موازین اخلاقی؛ در نظر داشتن ارزش های انسانی در موقع حل مشکلات اجتماعی و اقتصادی؛ منافع جمع را مقدم بر منافع فرد دانستن و موضوع هائی از این قبیل، همه و همه از لحاظ تربیتی احتیاج به یک دگرگونی و تقلیب روحانی دارد که باسانی از راه دین و عمل به موجب تعالیم الهی امکان پذیر است به عنوان مثال «جوهر صلح و آرامش که مهم ترین گام بسوی وحدت عالم انسانی

۱ - مأخذ: ۱۱ صفحه ۲۰.

است، چکیدهٔ یک امر درونی است که با مفاهیم روحانی و معتقدات معنوی تقویت می‌گردد.^۱

بیاد داشته باشیم که محبت مادر صلح است. باید نهال محبت، این عاطفهٔ عالی روحانی و احساس معنوی را به منظور تقلیب روحانی انسان‌ها، در افکار و قلوب افراد انسانی، غرس نمود و با تعالیم روحانی و اخلاقی آبیاری و تربیت کرد تا شکوفه‌های عواطف صلح دوستی بشکفند و میوه‌های صلح پایدار زینت بخش درخت جامعهٔ انسانی در کرهٔ ارض گردند.

دنیاگرایی بسوی وحدت عالم انسانی است و زمان در این جهت گام برمی‌دارد. یکی از عوامل ثبات دهندهٔ این وحدت حقیقی، تقلیب روحانی و تربیت روحانی است که در این عصر با ظهور حضرت بهاء‌الله عملی می‌گردد «مقدّرات و مقاصد آئین بهائی با این مرحله از تکامل بشری، پیوندی ناگسستنی دارد و قوای خلاقهٔ منبعث از ظهور حضرت بهاء‌الله، قابلیت وصول بدین مرحلهٔ نهائی از تکامل را به جامعهٔ بشری ارزانی داشته است.»^۲

(۶) - وجود نظمی نوین در سازمان و تشکیلات اداری: بطور

کلی تشکیلات و سازمان، نیرو و فعالیت افراد را در مجاری مُعین به‌کار انداخته، از ائتلاف قوای آنان جلوگیری می‌کند و برای رسیدن به هدف مشخص، بین افراد، اشتراک مساعی بوجود می‌آورد. برای یک جامعهٔ متحد جهانی، نیاز به یک نظم نوین اداری است که بتواند افکار و خدمات افراد را در همهٔ نقاط دنیا،

۲ - مأخذ: ۸ صفحه ۸۳.

۱ - مأخذ: ۱۳ صفحه ۱۸ و ۱۹.

برای رسیدن به هدف و وحدت عالم انسانی، در مجاری مخصوص بکار گیرد.^۱ وجود چنین تشکیلاتی را می‌توان تنها در دیانت بهائی جستجو کرد. تشکیلاتی که دارای منشاء الهی و بنابراین روحانی است زیرا براساس قوانین و تعالیم و اوامر و مؤسساتی استوار شده که نفس شارع این آئین یعنی حضرت بهاءالله، آن را بنیان گذارده است و تعالیم و اصول آن وسیله حضرت عبدالبهاء و حضرت شوقی افندی تشریح و توضیح شده است. نظمی است روحانی که با توجه به امتیازات خاص خود به حفظ وحدت جامعه پیروان خود، از سرزمین‌ها و نژادهای مختلف موفق گردیده و آنان را قدرت بخشیده تا مجاهدات خود را برای ترویج و تحکیم مؤسسات اداری در عالم بکار برند.^۲

این چنین نظم نوین اداری که هم‌اکنون در خدمت آئین بهائی بکار گرفته شده و اساسش الهی و مورد نظرش عالم انسانی است، با هیچ مکتب فکری که در صدد تجلیل نژاد یا طبقه یا ملت خاصی باشد، همگامی ندارد. پیروان این آئین با اینکه به حب و وطن آراسته‌اند ولی از تعصبات آن پیراسته، بشریت را بصورت مجموعه‌ای واحد می‌نگرند و معتقدند که در دنیائی با روابط متقابل بین مردم و ملت‌ها، منافع خصوصی از طریق منافع عمومی بهتر حاصل می‌شود.^۳

بطور خلاصه در بررسی موضوع پیشرفت‌های علمی و تکنولوژیکی و وجود زمینه‌های فکری، مطالعه اهمیت نقشی که وسائل ارتباطی در ایجاد ارتباط بین کشورها و مردم آن دارد و در نظر گرفتن عوامل ظاهری و عوامل حقیقی

۲ - مأخذ: ۸ صفحه ۱۳.

۱ - مأخذ: ۲۰ صفحه ۳۷۴.

۳ - مأخذ: ۱۱ صفحه ۹۱.

وحدت، ملاحظه می‌شود که از یک طرف وحدت ظاهری و مادی عالم انسانی، از طریق کاربرد وسائلی که این وحدت را عملی می‌سازند و تسهیل می‌بخشند، متحقق می‌گردد و از طرف دیگر با توجه به عوامل ثبات دهنده وحدت و وجود زمینه‌های فکری برای تغییر اساس جامعه بشری، این وحدت که رنگ مادی دارد تحت تأثیر قوای خلاقه منبث از ظهور حضرت بهاءالله بتدریج رنگ روحانی گرفته و پایدار می‌ماند.

۴ - نقش دیانت بهائی در تحقق وحدت عالم انسانی

گرچه در لابلای نوشته‌ها و گفته‌ها، بخوبی می‌توان به نقش دیانت بهائی در تحقق وحدت عالم انسانی پی بُرد معیناً شاید مناسب باشد که به نحوی مشخص‌تر به چگونگی نقشی که دیانت بهائی در دستیابی به وحدت انسان‌ها در کرهٔ ارض ایفا می‌کند به اختصار، اشاره نمود:

با بررسی علل تحقق وحدت عالم انسانی، مخصوصاً سیر تاریخی - اجتماعی گروه‌های بشری، ملاحظه می‌شود که در مسیر تکاملی گرایش دنیا، بالاخره بشر از مرز وحدت ملی می‌گذرد و به وحدت عالم انسانی دست می‌یابد. همچنین پیشرفت‌ها تکنولوژیکی که موجب پیدایش دستگاه‌های مختلف ارتباطی گشته، ملت‌های دنیا را با سهولت و به سرعت بهم پیوند می‌دهد. بنابراین ظاهراً نقشی و جایی برای آئین بهائی در تحقق وحدت انسان‌ها در کرهٔ ارض باقی نمی‌ماند.

باید قبول نمود که آئین بهائی در ایجاد وحدت عالم انسانی، آن‌گونه که جبر تاریخ عمل می‌کند، سهمی ندارد و در این مورد ادّعائی هم ندارد. اما آئین بهائی این ادعا را دارد که در سرعت تحقق وحدت عالم انسانی و مخصوصاً در کیفیت و چگونگی عملکرد آن سهم دارد و باید گفت که تنها دیانت بهائی است که چنین سهم عظیم و مهمی را دارد. «یگانگی جهان بشری محور تمامی تعالیم دیانت بهائی است. وحدت عالم انسانی، هم، یک اصل و قاعدهٔ اساسی دیانت بهائی را بیان می‌کند و هم، هدف غائی تجربهٔ انسانی را بر پهنهٔ گیتی

اعلام می‌دارد.»^۱ همانطور که بیان شد «...مقدّرات و مقاصد آئین بهائی، با این مرحله از تکامل بشری، پیوندی ناگسستنی دارد...» آنچه که آئین بهائی را با این مرحله از تکامل بشری پیوند می‌دهد کیفیت است روحانی، منبعث از ظهور حضرت بهاءالله که از طریق قوای خلّاقه و تربیت روحانی، از قوّه به فعل در می‌آید. قوای خلّاقه، علّت پیدایش وسائل مادّی برای سهولت وصول به وحدت عالم انسانی است که در عین حال به تحقّق وحدت انسان‌ها سرعت می‌بخشد. اما تربیت روحانی، تعیین‌کننده چگونگی دستیابی و کیفیت وصول به وحدت بشر است به نحوی که وحدت نوع بشر را از شکل ظاهری و مادّی آن که بی‌اعتنا به ارزش‌های انسانی است، در می‌آورد و به وحدتی حقیقی که در آن، مقام و شأن و ارزش انسان مورد احترام است، مبدّل می‌سازد و در این تقلیب روحانی می‌توان ادعا کرد که فقط دیانت بهائی است که در آن سهم دارد.

نقش دیانت بهائی در تحقّق وحدت عالم انسانی را با بیانی دیگر نیز می‌توان عنوان نمود: به عقیده بهائی دو نیرو در عالم فعّال است: یکی قدرت‌های مادّی، که به شدّت و به سرعت و بسیار مشخص و در ظاهر عمل می‌کند که در عین حال که وسائل مادّی را برای به مرحله نهائی درآمدن جبر اجتماعی (جبر تاریخ) یعنی وحدت انسان‌ها در کره ارض، فراهم می‌آورد اما از لحاظ ارزش‌های اخلاقی، جامعه انسانی را در یک مسیر تدنّی و نزول قرار می‌دهد تاجایی که هیچگونه اعتماد و آرامش و اطمینان خاطر و تعادلی چه در ملّت‌ها و چه در دولت‌ها باقی نمی‌ماند و درحقیقت امنیّت جمعی را از بین می‌برد. بنظر می‌رسد از این لحاظ، هیکل عالم، با ضربه‌های متعدّد و پی‌درپی که بر او وارد آمده، سُست و ناتوان

۱ - مأخذ: ۱۴ صفحه ۲.

شده و با ضربه‌های دیگر بزودی زانو بر زمین زده و بکلی از پای درمی‌آید یعنی در واقع نظام‌های موجود در دنیا از هم پاشیده و متلاشی می‌گردند. از طرف دیگر نیروی بالقوه عظیمی در حال عمل است که بسیار کند و تدریجی عمل می‌کند و در حال حاضر هم، بظاهر دیده نمی‌شود و این نیرو به عقیده بهائیان یک نیروی روحانی و اخلاقی منبث از ظهور حضرت بهاءالله است. نیروئی است مؤید به تأییدات الهیه که از راه تربیت روحانی و اصول اخلاقی در جهت اعتلای شأن و مقام انسان و ارزش‌های انسانی کار می‌کند و با اصول و تعالیمی که به جامعه انسانی عرضه می‌دارد، هم، بتدریج آمادگی لازم را در افراد بوجود می‌آورد تا در گذر از دوران انتقال برای ورود به عصر وحدت عالم انسانی، رنج و عذاب کمتری احساس کنند و هم، نظم خود را که به نظم نوین جهانی اصطلاح شده بتدریج روی خرابه‌های نظام‌های کهنه و فرسوده برقرار می‌سازد.

باین ترتیب نقش سازنده دیانت بهائی در این حرکت عمومی دنیا بسوی وحدت کاملاً معلوم است: آئین بهائی با لطیف وجدان و رشد عواطف انسانی، ایجاد رابطه منطقی و متعادل بین انسان‌ها را سبب می‌شود و با تربیت روحانی، وحدت مادی و ظاهری را که در اثر جبر اجتماعی بوجود می‌آید و مثل یک جسم مرده را می‌ماند، روح می‌بخشد و به وحدت روحانی حقیقی تبدیل می‌کند. حیات جامعه جهانی بهائی با اعتقاد به تغییر و تحوّل تدریجی، نه از راه تخریب و یا خشونت، بلکه براساس تربیت روحانی مأخوذ از قوه ملکوتی ظهور حضرت بهاءالله، با اشاعة احکام و اصولی که شأن و مقام انسانی را ظاهر و متبلور می‌سازد، آرام و بطئی پیش می‌رود. اصل وحدت عالم انسانی «نه هیچان جاهلانۀ عواطف سطحی است و نه ابراز امید و آرزوی گنگ و مبهمی براساس پرهیزکاری و نه حتی اظهار و اعلان آرمانی... این اصل حاکی از

تغییرات بنیادی در تار و پود جامعه امروز است، تغییری که مانند آن را
جهان تاکنون نیازموده است.»^۱

۱ - مأخذ: ۱۴ صفحه ۲.

۵ - وحدت و مفهوم وحدت عالم انسانی در دیانت بهائی

وحدت، گرچه کلمه‌ای است که بخصوص امروزه به منظور پیشبرد هدف‌های سیاسی، از طرف گروه‌های خاص و احزاب سیاسی مورد استفاده قرار می‌گیرد، اما در آئین بهائی، از وحدت، یک مقصود روحانی مورد نظر است. کلمه وحدت بیش از هر جای دیگر، در آئین بهائی بکار گرفته می‌شود چه که وحدت عالم انسانی، هدف اصلی و اساسی و روحانی این آئین را تشکیل می‌دهد با این همه، خود کلمه وحدت کمتر مورد پرسش و پاسخ و بنابراین تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد.^۱

اما وحدت چیست؟ از یک سو وحدت، که با کلمه آن انس و آشنائی بسیار است قابل تعریف به الفاظ نیست زیرا تعریف در اثر ترکیب کلمات نسبت به آنچه که در فکر می‌گذرد و به سخن می‌نشیند بوجود می‌آید و باین ترتیب موضوع کثرت مطرح می‌گردد یعنی بخودی خود برای وحدت که بسیط است جایی پیدا نمی‌شود در واقع می‌توان گفت که وحدت کیفیت یا حالتی است که قابل تکثیر (Multiple) نیست.^۲ اما همین کلمه وحدت را می‌توان با جان و

* در این قسمت از بیانات شهید مجید دکتر علیمراد داودی که در نواری ضبط شده و از او بیادگار مانده، استفاده شده است.

۱ - مأخذ: ۲۷.

۲ - مأخذ: ۳۱.

روح که آن هم بسیط است بخوبی حسّ کرد و به «مذاق جان چشید»^۱ چه که روح و وحدت در این مقوله از یک جنس هستند.

از دیگر سو، در عین حال همه موجودات برخوردار از وحدت هستند یعنی برای ایجاد یک شیئی مشخص یا یک موجود که دارای کیفیت خاصی باشد و به آن کیفیت، این شیئی شناخته شود باید کثیری از عناصر با مقادیر و رنگ‌ها و مقاومت‌ها و صفت‌ها و خاصیت‌ها و غیره بهم پیوند بخورند. وقتی آن شیئی یا موجود باین صورت حاصل شد در واقع آن کثرتِ عناصر، در قالبِ این وحدت از بین می‌رود. حال اگر همین شیئی یا موجود تجزیه شود یعنی پیوستگیِ عناصرِ متشکلهٔ آن از بین برود دیگر آن شیئی بآن صورت که شناخته می‌شد و کیفیت خاصی را مشخص می‌کرد و نام بخصوصی داشت، نیست. تنها باین حالت است که وحدت می‌تواند از تعریف برخوردار گردد و البته تعریف‌های مختلفی از آن بعمل آمده و از آن جمله است سه تعریف زیر:

- وحدت مجموعه‌ای است از اجزاء بهم پیوسته.^۲

- وحدت کثرتی است که در آن هریک از عناصر یک سیستم، بدون

تغییر باقی می‌ماند.^۳

- وحدت، سیستمی است غیر قابل تغییر.^۴

در بالاترین مراتبِ وحدت، وحدت محض قرار دارد که ذات خداوند است، وحدت عالم حقّ است، آنچه که ذاتاً کامل است و در این حالت، اجزاء، حدود، جهات، اسماء و صفات ندارد. بسیط محض است بهمین جهت قابل احساس و

۲ - مأخذ: ۳۱.

۱ - مأخذ: ۲۷.

۴ - مأخذ: ۳۱.

۳ - مأخذ: ۳۱.

درک معنوی است و می‌تواند «با ذوق روحانی چشیده» شود اما قابل تصوّر و تفکر نیست.

در پائین‌ترین مراتب وحدت، وحدت عالم مادی یعنی وحدت اشیاء جسمانی قرار دارد که وحدت در کثرت است و در این مرتبه، موجودات دارای اجزاء مختلف و حدود مختلف هستند، اسماء و صفات و جهات مختلف دارند، شئون متنوع دارند بنابراین بطور کلی دارای اختلاف و تعدّد هستند و انسان بنا به محدودیت خود، فقط می‌تواند وحدت در کثرت را درک کند و در اینجا وحدت مجموعه‌ای از اجزاء بهم پیوسته است.

در همه مراتب سیری است از کثرت به وحدت و ما می‌توانیم بر وحدت بیفزائیم و از کثرت بکاهیم یعنی در سیر صعودی کثرت، شئون جسمانی به شئون روحانی نزدیک می‌شود و وحدت عالم حق در کثرت عالم خلق جلوه می‌کند. در واقع انسان همیشه بطرف وحدت محض سیر می‌کند بدون آنکه هیچگاه بآن دست یابد.

اساس فلسفه وحدت عالم انسانی به عنوان هدف روحانی دیانت بهائی، بر «وحدت در کثرت»، که امری است نسبی، استوار می‌باشد و در عین حال که بسوی کمال یعنی بسوی وحدت عالم حق در حرکت و سیر صعودی است ولی هرگز انسان را به حریم آن راهی نیست.

در عمل وقتی از وحدت در کثرت سخن به میان می‌آید منظور آن است که انسان‌ها از هر نژاد و رنگ و جنس و ملیت و زبان و دین و ایدئولوژی که باشند، با همه تفاوت‌های ظاهری و فرهنگی که دارند می‌توانند با قبول تفاوت‌ها و احترام به آنها، از حقوق انسانی و آزادی‌های فردی و طبیعی برخوردار گردند و بدون برتری یکی بر دیگری، بیکدیگر نزدیک و نزدیک‌تر شوند و با قبول کثرت

گرائی وحدت پیداکنند. از دیدگاه بهائی برای ایجاد رفاه واقعی در جامعهٔ جهانی، می‌باید این وحدت با جنبه‌های روحانی توأم باشد یعنی منحصر به لفظ نگردد و از حالت شعارگونه بیرون آید، یعنی وحدت، از روی عشق و محبت قلبی، در پندارها جای گیرد و در گفتارها و کردارها به منصفه ظهور برسد و این همان نقشی است که آئین بهائی رسالت انجام آن را در عهده دارد.

« نتیجه گیری »

اینکه گرایش جهان یا جهتِ عمومیِ حرکتِ دنیا از لحاظ تحوّل جامعه بشری، به کدام سوی رو دارد، از دیدگاه آئین بهائی رو به سوی «وحدت عالم انسانی» دارد. اما این نظر نمی‌تواند تنها یک امر اعتقادی و یا نظری مبتنی بر یک تصوّر زیبا از شهری خیالی و دست‌نیافتنی باشد زیرا بررسی‌های بعمل آمده از لحاظ سیر تاریخی - اجتماعی و وابستگی‌های متقابل اقتصادی، سیاسی، اجتماعی دولت‌ها و ملت‌ها و نیز پیشرفت‌های علمی و فنی و وجود زمینه‌های فکری، هر کدام به نوبه خود نشان می‌دهد که عملاً گرایش جهان در جهت وحدت عالم انسانی و امری اجتناب‌ناپذیر است.

اما این وحدت که محصول جبر اجتماعی است، زمینه‌های مادی دارد و نقش آئین بهائی در این عصر، دگرگون کردن کیفیت این وحدت است. به بیان دیگر در واقع «عوامل وحدت»، «وسائل وحدت» و «اصول وحدت»، عوامل ظاهری را تشکیل می‌دهند که به لحاظ جبر اجتماعی، سبب تحقق وحدت مادی و ظاهری عالم انسانی می‌گردند و دیانت بهائی با تعالیم اخلاقی و روحانی اثرگذار خود - از لحاظ زمانی و مکانی و در عصر کنونی - روح و وجدان بشر را تلطیف کرده و از طریق «عوامل ثبات دهنده وحدت» که در اساس، همان اصول اجتماعی - اقتصادی آئین بهائی منبث از ظهور حضرت بهاءالله و بنابراین مؤید به قوه قدسیه الهیه است در چگونگی و کیفیت وحدت عالم انسانی

تأثیر می‌گذارد. در حقیقت آئین بهائی تحقق وحدت روحانی عالم انسانی را موجب می‌گردد و سبب می‌شود که از لحاظ مادی و روحانی تعادلی در ارتباطات جامعه جهانی بوجود آید.

نباید تصور نمود که انسان به آسانی به این وحدت روحانی دست می‌یابد زیرا سپاه جهل یعنی تعصبات و منافع خصوصی و ملی در مقابل آن بشدت مقاومت می‌ورزد و مقاومت در برابر این گرایش رو به تکامل جامعه بشری، ناآرامی‌های اجتماعی، مخاصمات نژادی، اختلاف طبقاتی، تدنی اخلاقی و رواج لامذهبی را موجب می‌گردد که نتیجه‌ای جز آشوب و انقلاب و اغتشاش در بر ندارد. گرچه همین انقلابات و آشوب‌ها، وصول به هدف را عملی‌تر و نزدیک‌تر می‌سازد ولی ایجاد آنها مسلماً بدلیل ناپختگی جامعه انسانی و نبود بلوغ کافی برای قبول یک امر منطقی حاصل از تکامل تدریجی جامعه بشری است و این موضوع از یک جنبه، از دیدگاه آئین بهائی، امری طبیعی بشمار می‌آید بدین تعبیر که می‌توان مراحل تکامل جامعه بشری را به مراحل تکامل یک فرد یعنی مراحل شیرخوارگی، کودکی، نوجوانی و بلوغ تشبیه نمود یعنی می‌توان مرحله کنونی از دوران تکامل تدریجی ولی پُر رنج عالم بشری را مرحله پرشور و شر و خام نوجوانی دانست که مقدمه ورود به مرحله پختگی و خردمندی است و بهمین دلیل است که با همه تیرگی اوضاع جهان، آئین بهائی، از این لحاظ آن را یک روند طبیعی رو به تکامل انتقال از مرز وحدت ملی محسوب می‌دارد و تحقق وحدت عالم انسانی را امری یقینی می‌داند. «... آئین بهائی آشوب کنونی جهان و مصائب حاصله در حیات انسان را به منزله یک مرحله طبیعی رشد و نمو یک جریان حیاتی و زنده بشری می‌شمارد که مآلاً و حتماً به وحدت نوع انسان در ظل یک نظم اجتماعی که حدود و مرزی جز کره زمین ندارد،

اما وحدتی که در رابطه با هدف روحانی آئین بهائی مورد نظر و عمل است «وحدت در کثرت» می باشد که امری است نسبی و در آن ملت ها با کنار گذاردن تعصبات خود و با پذیرش تفاوت های موجود در رنگ، نژاد، زبان، ملیت، دیانت، ناحیه جغرافیائی و غیره، ضمن آنکه از طریق دستیابی و شناخت فرهنگ های دیگر و انتقال این فرهنگ ها، به غنی سازی فرهنگ خود می پردازند، در نهایت مبانی وحدت روحانی خود را تحکیم می نمایند.

بطور کلی نظری گذرا بر بررسی های بعمل آمده در مورد گرایش دنیا از دیدگاه آئین بهائی، نخست این نتیجه را به ما می دهد که با همه بدبینی ها و با همه تاریکی ها و راههای پُر فراز و فرودی که وجود دارد، دنیا گرایش به وحدت عالم انسانی است که در عین حال که هدف نهائی و عالی و روحانی آئین بهائی بشمار می آید با مایه هایی که از قوه قدسیه الهیه می گیرد بسوی سرنوشت محتوم خود که پُر فروغ و جلال است و ورود به عصر طلائی را نوید می دهد پیش می رود و دو دیگر آنکه دستیابی به وحدت عالم انسانی که جنبه های روحانی نیز در آن ملحوظ باشد، مستلزم توجه، شناخت و قبول اصول نوین اجتماعی - اقتصادی در سطح جهانی است مانند صلح، تساوی حقوق زنان و مردان، سازمان و تشکیلات نوین اداری، تعدیل معیشت، ترک تعصبات و نظایر آن که در واقع همه آنها اصول و مبادی روحانی - اجتماعی نظم بدیع دیانت بهائی را تشکیل می دهند.

بنظر ما، در نهایت، دنیا در گرایش بسوی وحدت عالم انسانی، جز شناخت

حضرت بهاء الله و امر او و پذیرش اصول و احکام و تعالیم روحانی اش، چاره دیگری ندارد و این تنها امیدی است که برای دنیای درمانده کنونی باقی مانده است. بیمار نیازمند پزشک است، پزشکی که بیماری اش را تشخیص دهد و داروئی تجویز نماید که دردش را درمان کند. اینک هیکل عالم (جامعه انسانی) سخت دردمند و بیمار است، طیب حاذقش حضرت بهاء الله است - باید او را بشناسد - و دارویش نظم جهان آرای او - باید بدان عمل کند - و بنظر ما چنین خواهد شد.

خاتمه این تحقیق را به کلام حضرت شوقی افندی ولی امر دیانت بهائی و بیت العدل اعظم الهی مزین می داریم:

«... اوضاع کنونی دنیا و آینده نزدیک آن تاریک است و به نحو حزن انگیزی تاریک است و لکن آینده دور آن مشعشع است، تشعشعی پُر فروغ و جلال، آن چنان فروغی که هیچ فکری نمی تواند آن را تصوّر کند...»^۱

«... جهانی که در آنیم به تاریک ترین مرحله از تحولات این عصر رسیده که از نظر تغییرات اساسی در تاریخ پُر آشوب خود بی سابقه است. اهل عالم از هر نژاد و ملت و دین با این فرصت خطیر مواجه گشته اند که از تعلقات ملی و تباينات قومی که بین آنان جدائی افکنده قدم فراتر نهند و در ظلّ وحدت عالم انسانی درآیند و کره ارض را وطنی واحد شمارند.»^۲

۲ - مأخذ: ۱ صفحه ۲۲ قسمت مقدمه.

۱ - مأخذ: ۸ صفحه ۲۰.

منابع و مأخذ

- | | | |
|---|---------------------------------------|--------------------|
| بیت العدل اعظم، سال ۱۹۹۵ | کتاب مستطاب اقدس | ۱ - حضرت بهاء الله |
| لجنة نشر آثار امری به لسان فارسی
و عربی لانگنهاین - آلمان - سال
۱۴۸ بدیع - ۱۹۹۱ میلادی | آیات الهی | ۲ - حضرت بهاء الله |
| | مجموعه اقتدارات
(لوح جمال بروجردی) | ۳ - حضرت بهاء الله |
| | لوح دنیا | ۴ - حضرت بهاء الله |
| | الواح ملوک | ۵ - حضرت بهاء الله |
| لجنة ملی نشر آثار امری به لسان
فارسی و عربی - لانگنهاین -
آلمان - ۱۴۰ بدیع - ۱۹۸۴
میلادی | مجموعه خطابات حضرت
عبدالبهاء | ۶ - حضرت عبدالبهاء |
| | مکاتیب حضرت عبدالبهاء
(جلد اول) | ۷ - حضرت عبدالبهاء |

- ۸ - حضرت شوقی افندی
 حال و آینده جهان
 (از دیدگاه آئین بهائی)
- ۹ - حضرت شوقی افندی
 هدف نظم بدیع جهانی
- ۱۰ - حضرت شوقی افندی
 توفیق ۱۰۵ (لوح مبارک
 بافتخار یاران شرق)
- ۱۱ - حضرت شوقی افندی
 جلوه مدنیّت جهانی
- ۱۲ - حضرت شوقی افندی
 نظم جهانی بهائی
 (منتخباتی از آثار صادره)
- ۱۳ - بیت العدل اعظم
 وعده صلح جهانی
- ترجمه جمشید فنائیان - سال
 ۱۹۸۶
- ترجمه جمشید فنائیان - مؤسسه
 ملی مطبوعات امری - سال
 ۱۳۳ بدیع
- لجنه ملی آثار امری - طهران
 سال ۱۰۵ بدیع
- ترجمه جمشید فنائیان - محفل
 ملی بهائیان هندوستان - چاپ
 اول - ۱۴۳ بدیع - ۱۹۸۶
 میلادی
- ترجمه و اقتباس هوشمند
 فتح اعظم - مؤسسه معارف
 بهائی به لسان فارسی - سال
 ۱۴۶ بدیع - ۱۹۸۹ میلادی
- ترجمه بیانیه بیت العدل اعظم
 خطاب به اهل عالم - مرکز

جهانی بهانی - از انتشارات
لجنة امور احباء ایرانی -
امریکائی - ویلمت - ایلینوی
۱۹۸۵

ترجمه فارسی توسط دفتر امور
احباب ایرانی - امریکائی
ویلمت - ایلینوی، سپتامبر
۱۹۹۱

سال ۱۲۸ بدیع

دارالانشاء محفل روحانی ملی
بهایان ایالات متحده -
ویلمت ۱۳۴۸

در حاشیه وعده صلح جهانی -
مقاله چهاردهم مجله پیام بدیع
شماره ۵۷ سپتامبر ۱۹۸۷

مجله پیام بدیع - شماره ۹۳

چشم انداز وحدت نژادی

نظم اداری

نظم اداری

نظم بدیع

نظری به امروز و آینده

۱۴ - محفل ملی روحانی
بهایان آمریکا

۱۵ - مؤسسه ملی مطبوعات
امری

۱۶ - لجنة امور احباء
ایرانی - امریکائی

۱۷ - دکتر ماشاء الله مشرفزاده

۱۸ - عطاء الله گهرریز

جهان

سپتامبر ۱۹۵۵

۱۹ - دکتر طلعت بصری

شگفتیهای جهان در دو
قرن نوزدهم و بیستم

از سیاه چال طهران تا وحدت
عالم انسانی، از انتشارات مجله
پیام بدیع سال ۱۴۹ بدیع -
۱۳۷۱ شمسی - ۱۹۹۲ میلادی

۲۰ - جان فرای

نظری به تعالیم اقتصادی
بھانی

ترجمه دکتر محمود مجذوب -
از سیاه چال طهران تا وحدت
عالم انسانی - از انتشارات مجله
پیام بدیع -

سال ۱۹۹۲ میلادی

۲۱ - روح الله مھرباھانی

صلح اصغر و سال دوهزار

مجله پیام بھانی - نشریه محفل
روحانی ملی فرانسه برای
بھانیان - شماره ۱۹۳ دسامبر
۱۹۹۵

۲۲ - دکتر دارا بصری

محیط زیست و درخت
(جنگل) و نظر دیانت بھانی

از سیاه چال طهران تا وحدت
عالم انسانی - از انتشارات مجله
پیام بدیع - سال ۱۴۹ بدیع
۱۳۷۱ شمسی - ۱۹۹۲ میلادی

- | | | |
|--|---|------------------------------------|
| گفتار رادیونی در برنامه
روز نو - آئین نو، زیر نظر
گروه روابط عمومی بهائیان
ایران - ۱۹۹۴ کالیفرنیا | نظرات اقتصادی بهائی وحل
مسائل و مشکلات اقتصادی | ۲۳ - دکتر دارا بصری |
| ترجمه بشیرالهی، هـ رحیمی،
ف. سلیمانی - چاپ برزیل -
سال ۱۴۵ بدیع - ۱۹۸۸
میلادی | بهاءالله و عصر جدید | ۲۴ - دکتر ج. ای. اسلمنت |
| مؤسسه ملی مطبوعات امری -
سال ۱۲۹ بدیع | مانده آسمانی (جلد پنجم) | ۲۵ - عبدالحمید اشراق خاوری |
| سال ۱۳۵۳ طهران | نوامیس اندیشه یا آئین تفکر | ۲۶ - کمال الدین بخت آور |
| نوار ضبط شده درباره وحدت | وحدت | ۲۷ - دکتر علیمراد داودی |
| از سیاه چال طهران تا وحدت
عالم انسانی - از انتشارات مجله
پیام بدیع - سال ۱۴۹ بدیع
۱۳۷۱ شمسی - ۱۹۹۲ میلادی | زن و صلح | ۲۸ - دکتر طاهره خدادوست
(فروغی) |
| سخنی کوتاه درباره آئین
بهائی | | ۲۹ - علاءالدین قدس
جورابچی |

The Riverside
Publishing Company
1984

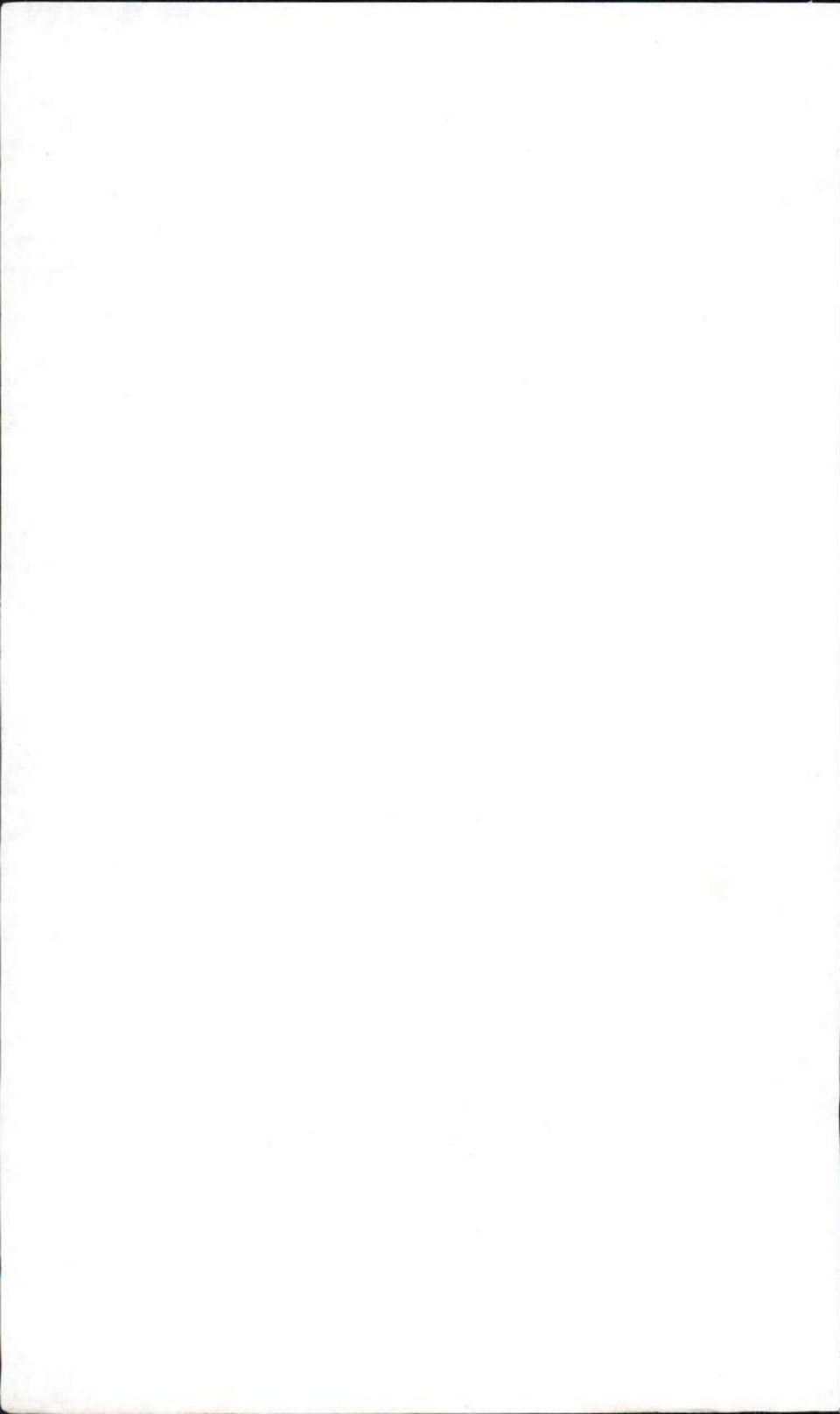
Publixhed by Portland
House - New York
1989

Consolidated Book
Publishers
Chicago - New York
1975

Webster II - ३०
New Riverside
University Dictionary

Webster's - ३१
Encyclopedia
Unabridged Dictionary
of English Language

New Webster's - ३२
Dictionary of the
English Language



WORLD TREND
From
BAHA'I PERSPECTIVE

By
Dr. Dara Bassari

June 2000
B.E. 156

Published by:
Images International
5010 Austin Road
Chattanooga, Tennessee 37343
www.imagesint.com/bahai
e-mail: images@chattanooga.net





Images
International